

درباره ماهیت ادغام دین و سیاست

قسمت آخر

۷- انقلاب اسلامی یک انقلاب نیست! بسیاری هنوز بر این باورند که "انقلاب اسلامی" یک انقلاب واقعی و اصیل بود. و برای اثبات این امر فوراً تظاهرات و تظاهرات وسیع مردمی در طرفداری از رژیم اسلامی را شاهد می آورند. آننان بقیه در صفحه ۳

۱۰ پرسش:

پیرامون اعلامیه "جمهوریخواهان ملی" درباره جنگ ایران و عراق
دستان محترم در فتره ها هنگ
کنند جمهوریخواهان ملی ایران
اخیرا اعلامیه های درباره جنگ ایران و عراق صادر نمود هاند. جای بسی مسرت است که آنان با موضعگیری در باره جنگ ایران و عراق زمینه های را فراهم آورد هاند تا مردم به تعمق بنشینند و بسا وقت بقیه در صفحه ۱۳

ندای سیر اسیر!

ایران چون عزیزی از دست رفته، در حالیکه مشتق بی وطن و وابسته به خارجی او را در جنگهای خود گرفته اند، رو بسوی فرزندان نش نمود و طلب یاری میکند تا در رهائش بکوشند و وی را آزاد سازند. اما هیسات! هیسات! که کسی را مدد کار نیست و ما میهن در خون خود غوطه میخوریم. در چنین موقعیتی که ایران یکی از سخت ترین در آنهارا سیری میکند، تاریخ و وظیفه بس سنگینی بر دوش فرزندانش نهاده است. حال اگر ما، در هنگامیکه ما بهمانیا زدارد، روی از او برگردانیم، آیسزا و آران هستیم که بگوئیم: ما ایران را دست داریم! یا شاید این جملها مانند شعاری که هزاران هزار ایرانی و آواره دراز وطن بر زبان میرانند، بر زبان برانیم، ولی حاضر نشویم کوچکترین قدمی را در راه آزادیش برداریم؟ متاسفانه باید این حقیقت تلخ را پذیرفت که ایرانیا هنوز خفته اند! آنان هنوز از خواب گران بیدار نشد هاند و هنوز نمیدانند که چه گوهر بقیه در صفحه ۲

نظری بر اطلاعاتیه دفتر سیاسی حزب دمکرات

دفتر سیاسی حزب دمکرات کردستان ایران طبق اطلاعاتی رسی در تاریخ ۱۰ اردیبهشت ۶۴ جدائی خود را از شورای ملی مقاومت اعلام نمود. در اطلاعاتیه مزبور، حزب دمکرات ضمن اشاره به علل پیوستن خود به شورا و آوردن دلایلی در مورد این گسستن توضیحاتی را ذکر میکند. با توجه به اطلاعاتیه فوق برای روشن شدن بقیه در صفحه ۱۳

مراسم یادبود

ایرج اسکندری

در پی درگذشت آقای ایرج اسکندری یکی از بنیانگذاران حزب توده، که در تاریخ ۲۰ آوریل سال

جاری در آلمان شرقی، بوقوع پیوست، مراسم یادبودی در پاریس در تاریخ ۱۶ ماه مه ساعت ه بعد از ظهر برگزار گردید. در ابتدا یکی از اعضای حزب توده تاریخچه ای از زندگی ایرج اسکندری را قرائت نمود. سپس آقای ماکسیم رود نسون بقیه در صفحه ۶

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی دشمن اصلی مردم ایران!

بقیه از صفحه ۱

ندای میهن اسیر!

گرانیهای را از دست داد هاند و برای باز یافتن آن باید کمر همت برینند ، رنجها بکشند ، تلاشهای بسیاری میدول دارند و جانفشانی کنند . در غیر این صورت ایران هرگز آزاد نخواهد شد ! و میهن ما در اثر غفلت مرد موروثی و تفکران و رهبران از صحنه تاریخ کنار خواهد رفت و دیگر اثری از ایران و ایرانی باقی نخواهد ماند . بیان شعارها زیبایی که برخی از رهبران و روشنفکران اپوزیسیون در پیاداری و روشن شدن بسودن ایران مطرح میکنند بسیار اید ه آلیستی و شاعرانه است و دردی را در مان نمیکند . عملاً نیز سازمانها و گروههای اینگونه رهبران بوسیله ماند های سیاه ضد د مکرانیک تسخیر شد و کاسه هلیسان بمشابه مگسان گرد شیرینی هرگونه فعالیت د مکرانیک ، آزاد یخواهانه و ملی را سرکوب میکنند . از طرفی روابط فامیلی ، گروهی و شخصی بر همه جاسایه افکنده و هر کس که فامیل یا آشنائی دارد بهمان جا گرایش پیدا میکند . برخی از اقوام نزدیک اینگونه رهبران د اپوزیسیون که از نفوذ خانوادگی و فامیلی برخوردار هستند بعلمت عدم آگاهی و عقب ماندگی سیاسی ، ایدئولوژیک و . . . بصورت آلت دست مستقیم برخی از نیروها و عوامل نفوذی و مخرب درآمد هاند . هنگامیکه چنین روابطی در درون این سازمانها حکمفرماست ، آیا کوچکترین زمینه‌های برای فعالیت انسانهای آزاد ه و آزاد یخواه و معتقد و غیر وابسته وجود دارد ؟ هدف نیروها و عناصر وابسته در درون اپوزیسیون اینست که افراد ، نیروها و شخصیت‌های مستقل را با بهره برداری از تجربیات فراوان و برخورد اربودن از حمایت همه جانبه و پیچید ه اربابان خود به انفعال بکشانند . آنان افراد و نیروهای مستقل را مجبور میکنند که یکج عزت اختیار کنند و

بی تفاوت به تمامشای اجرای برنامه‌هایشان بپردازند و یا مقهورشان شد ه و تن به مکاری با آنان را بدهند و تمام مواضع آزاد یخواهان و مترقی و ملی خود را زیر پای بگذارند . آیا با نمونه‌های بسیاری از این قبیل آقایان سرشناس و صاحب نامی که بخاطرنا موجه خود را در اختیار عوامل مخفی فشار قرار داد هاند وید وین اجازت آن آب هم نمیتواند بخورند رو بر نیستیم ؟ اینست گوشه کوچکی از واقعیت‌های د رونی نیروهای اصلی اپوزیسیون ! بادیدن این واقعیت‌های تلخ چه تضمینی وجود دارد که رژیم خمینی سرنگون گردد د و آزادی و د مکراسی د رایران برقرار شود ؟ چه تضمینی وجود دارد تا ایران از بین نرود ؟ آیا د رطول تاریخ معاصر جهان بطور اعم و در طول تاریخ کشورها و د ولتها و د ولتها و کشورهای پر قدرت جدید جای آنان را گرفتند ؟ پس چه کسی باید از نابودی ایران جلوگیری کند ؟ کدام نیروها ؟ عامل اصلی ، نجات و رهائی میهن را فراهم میآورند ؟ قدرتهای بزرگ خارجی ؟ آمریکا ؟ اروپا و یا اتحاد شوروی سوسیالیستی ؟ آیا این قدرتها میتوانند د مکراسی و آزادی را برای مرد م ایران بارمغان آورد ه و آنرا د دست تقدیمشان کنند ؟ یا اپوزیسیون که ملت ایران از راه ویرجشما مید بر آن دوخته - د رحالیکه بوسیله نیروهای فاسد ، مشکوک نفوذی ، ضد د مکرانیک و مخرب از درون تسخیر گردید ه - قادر به انجام این امر میباشد ؟ هیچکدام با تمام شواهد و قرائن موجود قادر نیستند بتوانند د مکراسی و آزادی را د رایران برقرار کنند . شاید آنان بتوانند رژیم اسلامی را سرنگون نمایند ولی با کمال اطمینان از هم اکنون باید گفت که رژیم بعدی یک رژیم مکرانیک و مرد می نخواهد بود . بنابراین تنها یک راه ، آری تنها یک راه برای آزادی ایران باقی ماند ه

بادیدن واقعیت‌های تلخ چه تضمینی وجود دارد که رژیم خمینی سرنگون گردد د و آزادی و د مکراسی د رایران برقرار شود ؟ چه تضمینی وجود دارد تا ایران از بین نرود ؟ آیا د رطول تاریخ معاصر جهان بطور اعم و در طول تاریخ کشورها و د ولتها و د ولتها و کشورهای پر قدرت جدید جای آنان را گرفتند ؟ پس چه کسی باید از نابودی ایران جلوگیری کند ؟

است . و آن راه اینست که آزاد یخواهان واقعی ببا خیزند و فراگیرند که نمیتوان بسا شیوه‌ها و روشهای متداول مرسوم و معمولی و ایجاد یک یا چند سخنرانی و یا گرد همائی - د رحالیکه دشمنان بپرحمچهار چشمی آنان را زیر نظر داشته و مواظب کوچکترین برخورد هایشان هستند - د ر راه سرنگونی ر . ج . ا . و ایجاد د مکراسی و آزادی در میهن قد مبرد ارند . باید از اسامی مرسوم و معروف خاص و نام مشد ن بهره‌گیری و بطور جدی دست از جاه طلبی های مرسوم و شمر کشید و در راه اتحاد با کلیه آزاد یخواهان راستین ایران بطور اصولی قد مبرد اشد . آزاد یخواهان ایران باید با پیگیری تمام د ر این راه بکوشند و از سختی هانهراسند . د ر آن هنگام است که اگر بیروز هم نشوند میتوان گفت مشعلی را که فرزندان ایران د ر طول تاریخ چون یعقوب لیث ها ، بابک ها ، ابو مسلم ها ، امیر کبیرها ستارخانها ، مصد قها و . . . نگذاشته اند خاموش شود ، برافروخته نگاه خواهند داشت . اینست آن نکته حساس و د قیقی که سرنوشت و حیات ایران به آن بستگی دارد ! حتی اگر این مبارزه بصورت جرقه‌های کوچکی باشد که چون ستاره‌های از د و سوسو میزند ، ولی همان خود د لیل بر آن است که ایران و مردمش زند هاند . . . باید بهندی میهن اسیر پاسخ گفت ! □

بقیه از صفحه ۱

درباره ماهیت ادغام دین و سیاست

همچنین برای اثبات باور خود، به انتخابات بی‌دری رژیم استاد می‌کنند که چگونه میلیون‌ها تن از مردم را سیل آسای بر قدری از انقلاب اسلامی "کشاند". البته موج خروشان "میلیون‌ها تن از مردم در تظاهرات را خود دلیلی کافی برای پدید آمدن يك انقلاب می‌شمارند ولی هنگامیکه امروزه نتایج عملکرد رژیم جمهوری اسلامی در نقض تمام شعارها و برنامه‌هایی که از همان ابتدا در باره آزادی، دموکراسی، استقلال و عدالت اجتماعی به مردم وعده داده بود، مینگریم، آیا هنوز میتوانیم گوئیم که خیر، مردم فریب نخوردند، و در ایران يك انقلاب رخ داد؟ ویا اگر مردم امید انستند در پی شعارهای دروغین آخوند ها و تقوی‌سینها و مشاورین مخفی و کارکشته‌ای که در روز آنها را محاصره کرده‌اند، چنهفته است و "انقلاب مذهبی" چیزی جز "جنگ، آوازی، کشتار، سرکوب و خفقان و فقر و بدبختی و آخرالمراد و وابستگی بی‌چون و چرار به قدرتها سلطه‌گر راببارنی آورد، آیا در آن تظاهرات وسیع شرکت میکردند؟ آیا فریب مشتق آخوند عوام فریب را می‌خورند؟ و اگر بپذیریم که

"انقلاب اسلامی" يك انقلاب نبود. انقلاب اسلامی يك خیانت و يك فریب بزرگ بود. يك "دگرگونی" از نوع "دگرگونیهای" مخرب تاریخ، چون پدید آمدن رژیم "ناسیونال سوسیالیست" آلمان هیتلری بود.

مذهب در اوایل قرن بیستم نمیتواند مطلقاً باشد و هرگاه مذهب سیاست در حالت کند ضد مکتب و ارتجاعی میشود، آنکه آیا به این نتیجه نمیرسیم که انقلاب اسلامی "يك دگرگونی" ضد مکتب و ارتجاعی و بازگشتی بعقب بود؟ اگر هنوز مسئله از نظر روشنفکرانی که دل در گرو انقلاب اسلامی "خمینی بسته‌اند، روشن نیست، میتوان پرسید: آیا از يك خائن و جنایتکاری که کشوری را بران و ملتی را در جهت منافع خارجی به بند کشید میتوان انتظار داشت تا تحت لوای "انقلاب اسلامی" آزادی و دموکراسی و استقلال را برای مردم ایران به ارمغان آورد؟ اگر جواب مثبت است. پس نباید گفت تمام خائنین و جنایتکاران تاریخ "انقلابی" هستند. باید هیتلر و موسولینی و توجو که اتفاقاً همگی وعده‌های فراوانی ب مردم میدادند رانیز "انقلابیونی" کبیر بدانیم که تاریخ باید بوجود آنان افتخار کند. اما در این میان چهار دسته وجود دارند که "انقلاب اسلامی" را بمعنای واقعی يك انقلاب میدانند.

دسته اول شامل رژیم جمهوری اسلامی و حامیان داخلی و خارجی آن میباشد. آنان بیشتر از هر کسی در باره حمایت میلیون‌ها تن از مردم "مستضعفین" از انقلاب اسلامی "سخن میگویند و شهادت" صد ها هزار تن در راه استقرار رژیم اسلامی "راد طی ۶ سال گذشته دلیل باورزی برحقانیت انقلاب اسلامی" میدانند.

دسته دوم شامل حزب توده ایران، سازمان فدائیان اکثریت و سازمان مجاهدین میشوند که هنوز از دیدگاه "چپ" سالگرد "انقلاب شکوهمند بهمین" ویا "سالگرد انقلاب ضد سلطنتی" - با حذف اسلامی آن - را جشن میگیرند.

دسته سوم مغرضین و محافظه کارانی هستند که همواره مخالف مبارزات و مکتب و آزاد یخواهان و حقوق طلبانند در تاریخ بود هاند. آنان از فرصت بدست آمد مبره جستجبارانه "انقلاب اسلامی" بعنوان يك نمونه واقعی از انقلاب، کلیه انقلابیهای مکتب و مکتب تاریخ بشری را نفی کرد و بر علیه آن به تبلیغ میبرد ازند.

دسته چهارم آن کسانی هستند که متأسفانه بعلمت ناآگاهی از سیر تاریخ و عد توجه و قیق به شرایط پیچید ایران قادر به درک واقعیات نیستند و با ساد طوحی تحت تاثیر تبلیغات غلط در باره "انقلاب اسلامی" قرار میگیرند.

برخلاف دسته اول، دوم و سوم که هرکدام اینها بر مصالح و منافع خاصی کوشش میکنند که "انقلاب اسلامی" را يك "انقلاب قلمداد کنند و در این مورد بريك نظر عقید هاند، مردم مستمید ه ایران اکنون بایوست و گوشت خود حس کرد هاند که "انقلاب اسلامی" يك انقلاب نبود. "انقلاب اسلامی" يك خیانت و يك فریب بزرگ بود. يك "دگرگونی" از نوع "دگرگونیهای" مخرب تاریخ، چون پدید آمدن رژیم "ناسیونال سوسیالیست" آلمان هیتلری بود. اما آیا روشنفکران مطلقاً، آگاه و متعهد ماد ارای آن اندازه جرات و جسارت هستند تا این واقعیتها را با تمام تلخی اش بپذیرند و پیش از این سنگ "انقلاب اسلامی خمینی" را بسینه نزنند؟

۸ - خطر بزرگی که مجاهدین خلق را تهدید می‌کند

سازمان مجاهدین خلق که بحق هم اکنون در مقابل رژیم جمهوری اسلامی مبارزه میکند، از معدود سازمانهایی است که مواضع صحیحی در قبال جنگ ایران و عراق اتخاذ نمود و در صف اپوزیسیون غیر همگون و از هم گسسته، از کمیته قابل توجه برخوردار است. ولی بعلمت آنکه یگانگی تفکر و ایدئولوژی سازمان خود را بر



بقیه درباره ماهیت ادغام...

اسلام چه با دموکراسی وجه بی دموکراسی
 هنگامیکه بصورت ابزاری برای دخالت
 در سیاست درآید فوراً به عاملی برای
 سرکوب و خفقان تبدیل میگردد.

انقلابی جهان " (۱) ، کلیه آثار و نوشته‌های مجاهدین بر همین
 روال است. این طرز تفکر مجاهدین یک مطلب اصیل و نوئی نبود
 که در تاریخ فلسفتا زبیه آن در سترسی پیدا کرد نبود. صد ها
 بار قبل از این همین روشها و همین گفته‌ها بیان شد و هر بار شکست
 خورد نبود. تنها فرق اساسی سازمان مجاهدین خلق در این
 است که مجاهدین با تقلید و الگوبرداری از حزب تودهای ایران
 توانستند به "ایدئولوژی ناب توحیدی مسلح شوند" و "ایدئولوژی
 اسلامی" و "جامعه‌ی طبقه توحیدین" را "کشف" نمایند. بنابراین
 مجاهدین خلق اگر هم گاهی خود را مستقل از حزب توده و
 سیاستهایش نشان دادند، اما موضعگیریهای ایدئولوژیک
 آنان در زمینه‌های ادغام بین و سیاست، طبقاتی دیدن اسلام و
 مذهب، اسلام انقلابی و اسلام ارتجاعی و همچنین سبک کسار و
 شیوه برخورد آنها در بسیاری موارد همانند حزب توده ایران بوده
 است. آیا سازمان مجاهدین خلق میتواند خطر بزرگی که حیات
 سیاسی، ایدئولوژیک و تشکیلاتی سازمان را در شرایطی که رژیم
 جمهوری اسلامی شمره و نتیجه‌دهد حالت دیدن در امور سیاسی است.
 تهدید میکند، بر طرف نماید؟ شاید نمیتوان چندان امید واپود
 بخصوص که در مبارزات علیه رژیم اسلامی راههای زیادی برای
 مجاهدین باقی نمانده است. باید منتظر رویدادهای آینده بود.

۹- چند پرسش ابتدائی از آقای هزارخانی

مجاهدین خلق و "شورای ملی مقاومت" که امروز خود را "تنها
 آلترتاتیو د مکرانیک" میدانند و برای ایجاد یک "جمهوری د مکرانیک"
 اسلامی " بار رژیم جمهوری اسلامی مبارزه میکنند، باید دیر یا زود
 این نتیجه برسند که "جمهوری د مکرانیک" بمحض اسلامی شدنش
 - حتی قبل از ایجاد دولت د بیک - حریفان ضد د مکرانیک
 تبدیل میگردد. هرگونه کوشش و بازی بالغات برای مغشوش کردن
 مسئله بیفایده است. زیرا اسلام چه با دموکراسی و چه بی دموکراسی
 هنگامیکه بصورت ابزاری برای دخالت در سیاست درآید، فوراً به

اساس دخالت دین در سیاست قرار داده، کلیه میسازرات،
 جانفشانیها و کوششهای هزاران تن از جوانان عضو و طرفدارش را
 نقش بر آب کرد. این امر موجب کمال تاسف است. شاید
 رهبری سازمان مجاهدین خلق و شورای ملی مقاومت متوجه این
 مشکل اساسی و بسیار خطرناک و مهلکی که با آن روبرو میباشند،
 نیستند. بهمین دلیل بجای حل بنیادی مسئله، از طرق مختلف
 کوشش میکنند تا با پنهان کردن و پوشاندن این نقطه ضعف بزرگ،
 زیر پا گذاشتن یک اصل غیر قابل تردید، ثابت شد و علمی یعنی
 جدایی کامل دین از سیاست را توجیه کنند. البته باید از عان
 نمود، پس از آنکه آقای رجوی و برخی دیگر از سران و اعضای مجاهدین
 خلق به فرانسسه آمدند، مردم متوجه شدند آنان بمرور کوشش
 میکنند رنگ مذهبی کثیری به گفته‌ها و نوشته‌های خود بدهند.
 وحتى با گذاشتن پرچم سه رنگ ایران بر سر لوحه نشریه مجاهد در
 مراسم کوناگون، نشان دهند آنقدر هم که مردم فکر میکنند آنان
 مذهبی نیستند بلکه دارای تمایلات ملی نیز میباشند. ولی این
 امر مسئله را حل نکرد. مشکل نه تنها کما کما بر جای خود باقی
 ماند بلکه هر روز بزرگتر نیز شد. بطوریکه نتایج و عوارض حاصله آن
 در روابط درونی و بیرونی و نحوه برخورد سازمان با مسئله د مکرلی
 تاثیر عمیق بر جای گذارد و حیثیات کل سازمان را با خطر انداخته
 است. کسانی که کوچکترین آشنائی با فلسفه دارند، میدانند
 مجاهدین خلق مانند دیوید هیوم فیلسوف مشهور هم موضع
 ماتریالیستی را میبیزدیرند و هم آیدالیستی را. ولی چنین بینش و
 درک التقاطی آنان از فلسفه مقدمی ساد و لوحانه و ابتدائی است
 که انسان را متحیر میسازد. آقای رجوی با دست بردن در ادبیات
 مارکسیستی و تغییر و انطباق آن بر قرآن کوشش بسیاری میسوزول
 داشته‌اند. کتاب تبیین جهان ایشان که بطور کلی با استفاده از
 برخی از آثار کلاسیک مارکسیستی تهیه شد مبادا سادگی حیرت آوری
 این التقاط را عیان میسازد. البته کلیه نوشته‌های مجاهدین بر
 همین روال است. به نمونه‌هایی از این روش از کتاب تبیین
 جهان توجه کنیم: "پس ایدئولوژی، راهنمای عمل ماست". "بدون
 ایدئولوژی، انقلاب نمیتوان نهضتسی انقلابی داشت".
 "قرآن کتاب راهنمای عمل است". "خوانندگان عزیز توجه کنند که
 تنها حای برخی از کلمه‌ها یا عبارتهای مذهبی عوض شده است. و
 یاد قسمت "قواعد تکامل" با آوردن نقل قول بلند از "اوپا رین"
 پنج مرحله تاریخ تکامل را از دیدگاه مارکسیستی چنین بیان میدارد:
 انسان اولیه، نظام بردگی، نظام ارباب رعیتی، نظام سرمایه‌داری
 و جامعه‌ای که عصر جدیدی را بهمراه دارد. "عصر نخبه‌پرانی، جنبشها

بقیه از صفحه ۴

درباره ماهیت ادغام...

عاملی برای سرکوب و خفقان تبدیل میگردد. کافی است برای روشن شدن بیشتر مطلب نگاهی به روابط د رونی کنونی شورای ملی مقاومت و مجاهدین خلق ببیند ازیم.

یک نمونه جالب موضعگیریهای آقای هزارخانی در این مورد است. آقای هزارخانی چندین بار در "چهارمین جلسه ماهانه بحث و گفتگوی شورای ملی مقاومت" در انگلستان سخنرانی نمودند که به روشن ترین وضعی سیاست غلط و ضد و نقیض گوئیهای برخی از آقایان "لائیک" در شورای ملی مقاومت در رابطه با بد حالت دین در سیاست را آشکار کردند. بر طبق نشریه مجاهد: ایشان در ابتدا ی سخنرانی، خود را بعنوان یک "لائیک" صد درصد معرفی و اضافه میکنند، سپس تفکیک دین از دولت است ولی تفکیک سیاست از مذهب نیست و سپس اشاره میکنند "در این وسط یک شورای ملی مقاومتی هم وجود دارد که میگوید ما مبارزه میکنیم برای اینکه دولت موقت جمهوری مکرراتیک اسلامی "سر کار بیاید." (۲) (تاکیدها از نویسنده است)

از خوانندگان عزیز میخواهم که به گفته های ایشان که زیر آنها خط کشی شد که کمال وقت و توجه را میبردند. آیا آقای هزارخانی چه هدفی را در بیان مطالب متناقض خود دنبال میکنند؟ ایشان میگویند که ما مبارزه میکنیم برای اینکه یک "دولت جمهوری مکرراتیک اسلامی" را سرکار آوریم و از طرفی میگویند لائیسیم تفکیک دین از دولت است. آیا ایجاد "یک دولت جمهوری مکرراتیک دینی" چه چیزی بجز بد حالت دین در دولت است؟ آیا ایشان منکر این هستند که "دولت جمهوری مکرراتیک اسلامی" یعنی یک "دولت مذهبی"؟ پس چگونه ایشان خودشان را "لائیک" صد درصد معرفی مینمایند؟ ایشان در همان سخنرانی چند خط پائین تر اشاره میکنند که "شورای ملی مقاومت مبارزه برای این نمیکند که یک حکومت دینی سرکار بیاید." باید پرسید پس شورای ملی مقاومت برای چه مبارزه میکند؟ آیا اسلام در دولت جمهوری مکرراتیک شورای ملی مقاومت دین نیست؟ اگر هست پس چگونه میگویند که شورای ملی مقاومت نمیخواهد یک دولت دینی روی کار بیاید؟ آقای هزارخانی در ادامه سخنانشان اضافه میکنند "در واقع هم برای ما، بعنوان شورای ملی مقاومت مذهب رسمی داشتن اصلا مطرح نیست" ... برسمیت شناختن کامل حق مکرراتیک مردم در تعیین سرنوشت خود بدون قایل شدن هیچگونه امتیازی برای هیچ مذهب و برای هیچ مسلکی. (۳) البته ایشان فراموش کرد هاند که اضافه کنند "بجز مذهب اسلام"! متأسفانه اشتباهها

و خطاهای "آقای هزارخانی" ضد و نقیض گوئی های ایشان در ادامه همان طرز تفکر و بینشی است که "روشنفکران" "متمدن" و "آگاه" ما با توسل جستن به آن توانستند در ایجاد و استقرار رژیم فاشیستی مذهبی جمهوری اسلامی نقش بسیار مخرب و برجسته ای را ایفا نمایند. بجاست آقای هزارخانی نادیده نماندند که با توجه به حوادث و رویداد های که در رون مجاهدین و شوراهای می دهد - پرسشهای فوق را جواب گفته و همچنین سوابق و موضعگیریهای خود را در حمایت از تشکیل رژیم جمهوری اسلامی خمینی که علت اصلی عدم تشخیص کنونی ایشان در رجوعاتی مسئله دین از سیاست است را مورد بررسی و ویرایش قرار دهند. تا هم خود را آسود ه کنند و هم از زیر بار فشار این همه برخورد های غلط و خطاهای فاحش رهایی یابند.

۱۰- وظیفه آزاد یخواهان ایران درباره مذهب چیست؟

بعد از انقلاب اسلامی "بسیاری از نیروها و اشخاصی که برای اولین بار متوجه نقش مخرب مذهب در سرنوشت سیاسی ایران شد ه و بی بردند تحت لوای دین چگونه ایران در سراسر اشیا پرتگاهی مخوف گام نهاد ه است - بطوریکه بیرون آمدن از آن بسادگی و بیای یک یا دو سال یا چند سال امکان پذیر نیست و احتیاج به مسالین در راز رنج و زحمت و مزارت و جانفشانی دارد - بسیاری از سسرد گشته و یکبار به بر علیه مذهب با اسلام اعلان جنگ نمود ه اند. کتابهای قطور و رمز مت مذهب و اسلام چاپ شد. برخی نیز در کتابها و جزوه های گوناگون، حتی بجای مندرجات کشف الاسرار آیت - الله خمینی پرداختند تا ثابت کنند آقای خمینی ناچار اند از ه نادان و بیخرد میباشند. این طرز برخورد تنها در مبارزه با دین خلاصه شد ه و نمیتواند مسئله پیچید ه و دشواری استعماری ادغام دین در سیاست را توضیح دهد و به افشای سیاسی - ایدئولوژیک این جریان ببرد از د. متأسفانه این برخورد ها آب به آسیاب دشمن ریخته میشود و رژیم اسلامی هم از آن بهترین بهره را میبرد. در اینجا باید بخصوص متوجه ملیونها تن از جوانان و جوانانی بود که در بدستانها و بدیرستانها تحت شرایط خفقان زا و "اسلامی" بسر میبرند و دارای تجربه چندانی نیستند. بدین سبب کوبیدن مذهب و اعلان جنگ با آن مرد مرا از مبارزات مکرراتیک دور کرده و فرقه گرایی و چند دستگی مذهبی را گسترش میدهد و آخوند هارا تقویت میکند. بنا بر این برخورد صحیح به مذهب یکی از مهمترین و سنگین ترین وظایف آزاد یخواهان ایران در شرایط کنونی است. آزاد یخواهان ایران میبایست با بررسی ۲۰۰ سال تجربه تلخ

بقیه از صفحه ۱

مراسم یاد بود

(خاورشناس فرانسوی) که در سال ۱۹۴۹ در انتشار مجله خاور میانه با ایرج اسکندری در پاریس همکاری داشته است، به نگر قسمتی از خاطرات خود با آقای اسکندری و محاسن وی پرداخت. بعد از ایشان بابک امیر خسروی (عضو کاد مرکزی حزب توده) که در ضمن ریاست جلسه مراسم یاد بود متن را که از پیش به این مناسبت تهیه کرده بود، قرائت نمود. در این متن پس از شرح یک سری خصائص انسانی و اجتماعی اسکندری، این نکته را بیان کرد که چگونه حزب در دوره های مختلف از نظرات وی بهره مند شده است. اما "اشتباهی" که از جانب حزب توده روی داده این بود که زمان آمدن خمینی به ایران از "پند و اندرزهای" آقای اسکندری استفاده ننمود. وی سوگند یاد کرد که بنا بر وصیت اسکندری، خاطرات وی که به صورت ضبط شده در نوار جا مانده است را، برشته تحریر و آورد و همسراه تعدادی از مقالاتش چاپ و در دسترس همگان قرار دهند.

پس از اتمام سخنان آقای امیر خسروی، آقای آشورپور شعر "آزادی" فرخی یزدی را خواندند و متعاقب آن نوار آهنگ شعر فوق برای حضار پخش گردید. در پایان برنامه صدای آقای اسکندری که در سال ۱۹۸۳ در پاریس بر روی نوار ضبط شده بود به سمع شرکت کنندگان رسید. در این نوار وی قسمتی از خاطرات خود در سال ۱۹۲۵ - زمانی که برای ادامه تحصیل به پاریس آمد - و آشناییش با دکتر ارانی و آقای علوی و انتشار مجله نیابا همکاری دو شخص اخیر را بازگو نمود. این مراسم که تقریباً ۱۰ نفر در آن شرکت نمود، حدود ساعت ۵/۶ بعد از ظهر پایان پذیرفت. در این مراسم چند چهره سرشناس سیاسی نیز حضور داشتند.

در پیرامون مراسم یاد بود متذکر شدیم چنانچه زشواهد بر میآید در رابطه با اعدای از دستان اسکندری قصد برگزاری مراسم یاد بود را داشتند، اما این امر مورد بهره برداری رهبری حزب توده قرار گرفت. بطوریکه حزب توده توانست برگزاری مراسم یاد بود را دست گیرد. به همین دلیل برخلاف انتظار اعدای از شرکت کنندگان در مراسم، که مایل بودند از نظرات آقای اسکندری که باعث اختلافاتی در درون کمیته مرکزی حزب توده شده است، صحبت شود، غیر از بیان یکسری مطالب کلی، در این زمینه بحثی صورت نگرفت. همچنین برخی از شخصیت های سیاسی که قصد شرکت در مراسم را داشتند به علت آگاهی از خارج شدن روال برنامه از نیت اولیه خود، در مراسم شرکت ننمودند. در زمینه نظرات آقای اسکندری در باره رژیم خمینی، یکی از سخنرانان ضمن بیان تاریخچه زندگی وی تنها به این نکته اشاره کرد که پس از روی کار آمدن رژیم خمینی، ایرج اسکندری به دلیل سیاست های مذهبی اعمال شده و عدم آزادی های دموکراتیک با رژیم مخالفت نمود. سخنرانان در مراسم

به عزل آقای اسکندری از مقام دبیر کلی حزب توده در سال ۷۰ که یکی از دلایل آن مخالفت وی با مسئله خالت دین در سیاست و حمایت و پشتیبانی حزب توده از رژیم جمهوری اسلامی بود، هیچگونه اشاره ای نکردند. آقای امیر خسروی برای شرکت کنندگان روشن ننمود که "پند ها و اندرزها" آقای اسکندری در سال ۷۰ در باره رژیم خمینی چه بود که به علت عدم همکاریستن آن از جانب حزب توده، آن حزب دچار "اشتباهاتی" شد؟ و یا اینکه آن "اشتباهات" کدامند؟ البته همگان آگاه هستیم حزب توده در طی چند سال گذشته هیچگونه توضیحی را در این مورد ارائه نداد است.

در پایان طبق درخواست اعدای از شرکت کنندگان در مراسم و بنا بر قبول مجریان جلسه، انتظار می رود هر چه زود تر نوار خاطرات و مطالبی که از آقای اسکندری برجای مانده است، در دسترس همگان قرار گیرد. در ضمن گفته میشود اسکندری بیش از صد صفحه مطلب در باره سیاست های حزب توده برشته تحریر و آورد که به علت رگدشت وی ناتمام مانده است.



توضیح:

با عرض پوزش از خوانندگان عزیز در شماره قبل، صفحه ۳ در سطر اول ستون سوم مقاله "پرستش کیند مترین بند ه خدا بر زمین کیست؟" اشتباه تایپی رخ داده بود که بدینوسیله تصحیح میگردد: ... و طلاق نگرفته بود... نقیصه جدی مورد بحث در ترکیب رهبری نوین سازمان را پذیرفته و به کلیه زیانهای... تن میدادیم. یعنی در صورت متاهل بودن آقای رجوی هرگز "انقلاب کبیر نوین" که حتی باعث گردیده افرادی خواستار "عطیسات انتحاری برای ...

چه کسانی از جنگ ایران و عراق بهره می جویند؟

قسمت دوم

تذکر:

هیئت تحریریه آزادی ایران با وجود اینکه با قسمتهایی از مطالب مقاله و همچنین نحوه آرایایی آنی رزم آراء رچندین مورد موافق نیست، اما بعلت احترام به آزادی قلم به درج مقاله میبادرت میبوزد.
هیئت تحریریه آزادی ایران

۵- رژیم به اهداف خود دست می یابد!

با آغاز جنگ و گسترش آن ر. ج. ۱۰ برای عمد نمودن و تحت الشعاع قرار دادن آن، بازیرکی و مهارت فراوان دست به یک سلسله جوسازی و برنامهریزیهای شگرف زد. شهرها در خاموشی مطلق فرورفتند، در نیمه‌های شب آذیرهای هوایی، تیربارها، سلسله‌های توپهای هوایی در نقاط مختلف به صداد آمد و در دل مردم ممتوحش و جنگ ندید هراس افکند. باروشن شدن کمترین نور خفیف، فریاد "خاموش کن" "خاموش کن" بلند میشد و اگر کسی اشتباه میکرد فریاد نعره‌آسای پاسداران از هر طرف برمیخاست که: "ساواکی خاموش کن". بعد ها مردم متوجه شدند که این سروصدها، آذیرها و توپهای هوایی اکثراد مقابل هواپیما هائی بود که وجود خارجی نداشتند و تنها بمنظور مرعوب نمودن آنان بکار رفته بود.

آری ر. ج. ۱۰ توانست به آن اهدافی که در نظر داشت دست پیدا کند و آن گنجاندن مسئله جنگ بعنوان عمدترین و حیاتیترین مسئله روز ران هان مردم بود. اکنون کسی حق نداشت از جنگ کردن ستان و سرکوب مردم مستمدا بد کرد، تورم، بیکاری، کمبود مواد غذایی، سرکوب، دستگیری و اعدام بسیاری از آزادیخواهان سخنی بمیان آورد. "مسئله اصلی جنگ بود" هرکس هر مسئله دیگری که جنگ راتحت الشعاع

قرار میداد مطرح میکرد، "ضد انقلاب" بود. بدین ترتیب تئوریسینهای زیاده و کارکشته رژیم که ۱۰ سال سابقه در منحرف کردن افکار مردم و خبیانت داشتند اینبار هم با گسترش جنگ توانستند به اهداف زیر دست پیدا کنند:

الف - نابودی مکراسی در ایران

ر. ج. ۱۰ به بهانه جنگ هر نوع مخالفت و انتقاد را در رنطفه خفه کرد. در آن هنگام در اکثر کارخانه‌های ایران، بخصوس کارخانه‌های تهران موج شدید اعتراض و ناراضیاتی در بین کارگران در حال رشد بود. در بعضی از کارخانه‌ها مانند: جنرال موتورز، ایران ناسیونال، کفش ملی، ارج، پارس الکتریک این اعتراضات در حال تبدیل شدن به مخالفت‌های علنی و اعتصاب بود. اما رژیم به بهانه جنگ بدین کم و کاست تمام آنها را سرکوب کرد. هرگونه اعتصابی را شدیداً در هم شکست و عوامل اصلی اعتصابات را فوراً دستگیر و بسیاری از آنان را تیرباران نمود. در عین حال رژیم تمام آن سازمانها، گروهها و حزابی که کم و بیش بی‌متموظه‌های رهبران حزب تودهور. ج. ۱۰ برد نبودند با تمام قوا حمله ور شد. کوچکترین خطوط "انحرافی" در بحثها بوسیله تئوریسینهای خیره‌تودهای "مشخص میگردد. عوامل حزب تود در بحثهای خیابانی روبروی دانشگاه با تفاق یکعده "حزب الهی" نقش عمدی را در شناسائی این خطوط "انحرافی" به عهد داشتند

آنان پس از شناسائی شخص مورد نظر - که هنوز فکر میکرد در کشور مکراسی و آزادی وجود دارد - ناگهان بر سرش ریخته با مشت و لگد و گاهی اوقات با چوب و میله آهنی بجانش میافتادند و سپس او را کشان کشان از صحنه دور میکردند تا به "کمیته" بیرند ر. ج. ۱۰ با بهره‌برداری از این جو توانست با ایجاد رعب و وحشت در مردم زمینه را برای تحکیم حکومت فاشیستی، پلیسی خود آماده نماید.

ب - گسیل دهها هزار تن از جوانان

به جبهه‌ها

ر. ج. ۱۰ با گسیل دهها هزار تن از جوانان به جبهه‌ها، آنان را از شرایط و اوضاع بحرانی، اقتصادی و سیاسی شهرها دور کرد تا بهتر بتواند آنان را تحت کنترل قرار دهد و از روی آوردن آنان به سوی نیروهای مخالف جلوگیری نماید.

ج - تبدیل جبهه‌های کلاس در سبزرگ

"میهن پرستی"

تئوریسینهای ر. ج. ۱۰ جبهه رایه‌یک کلاس در سبزرگ فاشیستی تبدیل نمودند از طریق تبلیغات شدید مذهبی - سروها و کلاسهای آموزشی مذهبی، تبلیغ خرافات و... - تبلیغات ضد ملی و ضد ایرانی را به حدترین وجهی گسترش دادند. هدف اصلی اکثر جوانان و نونهالانی بودند که بعد ها میتوانستند پس از بازگشت از جبهه رفتن به شهرها و روستاهای محل اقامت خود در مورد "انقلاب اسلامی" و "جنگ میهنی"، جنگ برای حفظ استقلال و دفاع از سرزمین ایران عزیزما، نقش بهترین



بقیه کسان از جنگ ایران و...

مبلغین را در میان مردم ایفا کنند.

د. تحت کنترل در آوردن ارتش

ر. ج. ۱۰ همواره از ارتش بیم داشت.

رژیم می دانست که نیروهای مخالف و آزاد یخواه در رون ارتش هرآن ممکن است به مخالفت، شورش و یا کودتا بر علیه او دست زنند. "جنگ میهنی" بهترین بهانه را برای رژیم فراهم آورد تا ارتش را کاملاً تحت کنترل قرار دهد. اولاً رژیم با تبلیغات

وسیع در مورد "بخطر افتادن میهن تمام مخالفان تحت الشعاع جنگ قرار داد.

د. راین مورد باید به رژیم "تبریک" گفت: زیرا توانسته است نه تنها بسیاری از سربازان و افسران را فریب دهد، بلکه بسیاری از

نیروهای اپوزیسیون و چپ راه همه طرفداری از "جنگ میهنی" خود وادارد. ثانیاً

با اعزام ارتش به مرزها و جبهه ها ارتش را عملاً از مسایل داخلی دور نمود. ثالثاً

به بهانه جنگ و نفوذ عوامل دشمن، به توسعه ادارات سیاسی - ایدئولوژیک ارتش

اداره کل جاسوسی و تفتیش عقاید رهبران حزب تودهور. ج. ۱۰ - پرداخت بطوریکه سرپرست این سازمان در مصاحبه خود با

روزنامه کیهان فروردین ۱۳۶۱ گفت: "ما اجمالاً متجاوز از ۲ هزار پرسنل در واحد های نظامی داریم."

ه. تقویت سپاه پاسداران

امروز دیگر آشکار گردید که تشکیل سپاه پاسداران در مقابل ارتش برنامه ریزی و توطئه ای بس دقیق از جانب "پیروان خط

امام"، رهبران حزب توده و سازمان جاسوسی شوروی کاندید بود است تا از همان ابتدا بتواند بعنوان یک آلترنا

تیو در هنگام ضرورت مورد بهره برداری قرار گیرد. مردم آگاه فراموش نمیکنند که شعاع

"سپاه پاسداران را به سلاح سنگین مجهز

کنید" اولین بار از طرف کد امپیک از سازمانهای سیاسی مطرح گردید. و هنگامی که آنان برای اولین بار کوشیدند زمینسه

تبلیغاتی و روانی را برای تقویت سپاه پاسداران گسترش دهند، رهبری سپاه پاسداران و گردانندگان اصلی آن با مشکل

فراوانی روبرو بودند و البته با وجود حقوقها، امتیازات و امکانات چشمگیری که به

د. و طلبان سپاه پاسداران داد میشد آنان با کمبود نیرو و مواجه بودند و مردم روز به روز بیشتر از نقش سپاه پاسداران در مقابل

ارتش مطلع میشدند. اما جنگ میهنی رژیم و اقوام با هم با رهبران رحمت الهی یکمک

سپاه آمد و با تشکیل و رشد "بسیج مستضعفین" بعنوان پشتوانه سپاه و سپس "رشادتها" و "دلیریهای" سپاه در مقابل دشمنان

متجاوز خارجی و فرستادن "مواج انسانی" و عبور از مناطق مین گذاری شد تا آنهم الله و اکبر گوین، تصاحب ابزارها و اوقات جنگی

وسلاحهای سنگین بطور ناگهانی موجب رشد و تقویت سپاه پاسداران گردید بطوری

که قوای سپاه پاسداران که در اوایل جنگ بزرگت به ۲۰ الی ۳۰ هزارتن میرسید اکنون به ارتش نیرومند ی که بالغ بر ۱۰۰ هزار

تن میشود و پشت سر خود "بسیج" را بسسه در نیال دارد، تبدیل شده است.

و. برانگیختن احساسات مردم و

بهره برداری از آن

رژیم با راه انداختن عزاداریهای بزرگ از "شهادت" جنگ میهنی "توانست اکثریت مردم را با مزیدگی، خارق العادهای

به حمایت از خود وادارد. هنگامیکه مردم میدانیدند چگونه یک سرباز یا افسرویسپاه پاسداران برای "حفظ میهن" برای "موجودت

ایران" شهید شده "خواهی نخواهی یک حالت شدید روحی و بحرانی در انسان

بوجود می آورد. اشکها جاری و ناله ها سر

داد همیشه: "این گل پیر ماست" آخر او برای وطن شهید شده، چه صحنه سوزناکی! جهاندار در دل خراش! آری

بخصوص ایرانی جماعت که متأسفانه همواره در چندین دهه گذشته از نظر سیاسی

آگاهیش در سطح پایینی قرار داشته و پیشرفته نیست، دستهای پشت پرده مخفی

را در چنین اوضاعی نمی بیند که چگونه تمام عواطف و احساسات او را از نظر روحی و

روانی بکار گرفته است تا او را بطور غیر مستقیم بطرفداری از خود وادارد. رژیم دستگاه

تبلیغاتی و روانشناسی بی اندام میچیده را زیر نظر مستشاران و عوامل یک ابر قدرت

بکار انداخت تا به بهترین نحو از احساسات یک ملی و میهنی به نفع خود

بهره برداری کند.

۶- نقش رهبران حزب توده در "جنگ میهنی"

ما اگر قبول کنیم که حزب توده از نظر سیاسی، ایدئولوژیک، تشکلاتی و مالی مستقل نیست و یک حزب وابسته است،

یعنی وابستگی بدون چون و چرا به اتحاد جماهیر شوروی دارد و در تمام مسایل داخلی و خارجی دقیقاً برای منافع آن کشور تلاش

میکند، در این صورت بسیاری از مسائل بفرنج و بیچید میهنمان را بهتر روشن تر

میتوانیم مورد بررسی قرار دهیم. زیرا اولاً ما در همسایگی یکی از بزرگترین و قدرتمندترین

کشورهای جهان قرار داریم و نمیتوانیم بی اعتنا و سرسری از کنار این واقعیت بگذریم

گوشی که اصلاً چنین کشوری وجود خارجی ندارد. ثانیاً این همسایه قدرتمند، همسایه دیگرمان را که اتفاقاً یکی از عقب افتاده ترین و ضعیفترین و فقیرترین کشورهای جهان

ایران،

در ماهی که گذشت

مردم رژیم را نشانه گرفته اند

همچنان که پیش بینی میشد سفر د بیر کل سازمان ملل به وکشور ایران و عراق و کوششهای ایشان برای پایان دادن به جنگ مانند سایر تلاشهای بین المللی دیگر بین نتیجه ماند. موسوی در روز ۲۳/۲/۶۴ اظهار داشت تا زمانی که سازمان ملل متحد تجا و عراق به ایران را بطور علنی محکوم ننماید ایران در مباحث "شورای امنیت" شرکت نخواهد کرد. خمینی نیز با بیسان اینکه صلح با یک شخص "فاسد" مخالف اسلام و قرآن است و ملت جنگ می خواهد به تمام توهمات برای پایان دادن به جنگ از طریق مذاکرات سیاسی پایان داد. رژیم جمهوری اسلامی که تا کنون از جنگ بمنظور توجیه مشکلات خویش و سرکوب اعتراضات و خواستههای آزاد یخواهان مردم و... استفاده نکرد هاست، بخوبی آگاه است که در صورت پذیرفتن صلح قاد ر به پاسخگویی مشکلات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور - که تا کنون به بهانه جنگ از انسان طفره رفته است - نخواهد بود. بنابراین رژیم خمینی برخلاف دولت عراق که تا کنون در مقابل تمام تلاشهای بین المللی آمادگی خود را برای صلح اعلام نمود هاست، بسا در خواستههای غیر عظمی خویش عملا هرگونه راه میانجیگری برای صلح را بسته است. از طرف دیگر رژیم به دلیل شکست اخیر در عملیات بد رواز دست دادن بسیاری از

نیروهای خود که با خشم و اعتراضات مردم نیز در سطحی وسیع روبرو گردید، به علت کمبود نیروی انسانی در جبهه ها قادر نیست به یک حمله وسیع دیگر دست زد و هو جنگ را از راه نظامی به پیش ببرد. بنابراین سعی میکند با فرسایشی کردن جنگ پایهای حکومت خویش را حفظ نماید.

اما در ماه یافتن هر چه بیشتر جنگ و سرایت آن به شهرهای بزرگ خود زمینه های بسیاری اوجگیری ناراضیتهای مردم و گسترش اعتراضات آنان گشته است. در طول چند ماه اخیر خصوصاً پس از حملات هوایی عراق به شهرهای بزرگ ایران، تظاهرات وسیعی در تهران و سایر شهرستانها بر علیه رژیم انجام گرفته است. تظاهرات اخیر مردم را نمیتوان صرفاً به تظاهرات بر علیه جنگ و دستیابی به صلح محدود نمود. شعارهای مردم در تظاهرات خود نشانگر این موضوع است که اعتراضات مردم از یک جنبش صلح طلبانه فراتر رفته و کل رژیم را نشانه گرفته است.

چکیده ای از مصاحبه نخست وزیر

موسوی نخست وزیر رژیم در روز ۲۳/۲/۶۴ در یک کنفرانس مطبوعاتی که با حضور خبرنگاران ایرانی و خارجی برگزار شد دیدگاههای رژیم جمهوری اسلامی را در قبال تلاشهای سازمان ملل، شورای امنیت و سازمان کنفرانس اسلامی برای پایان بخشیدن به جنگ اعلام کرد.

وی در پاسخ به سوال خبرنگاری یکی از رسانه های ژاپنی در رابطه با حضور ایران در شورای امنیت گفت "اگر در رابطه با جنگ شورای امنیت دید واقع بینانه ای داشته باشد (که البته ما در این زمینه نسبت به شورامایوس هستیم) و به صراحت مسئله تجا و عراق بر علیه کشور ما را محکوم کند، ما در شورای امنیت شرکت خواهیم کرد." وی همچنین در رابطه با تلاشهای سازمان کنفرانس اسلامی جهت پایان بخشیدن به جنگ ایران و عراق گفت "علت شکست حرکتهایی که از سوی کنفرانس اسلامی تا کنون صورت گرفته به این دلیل بود که این کنفرانس موضع عادلانه ای در رابطه با جنگ صورت نداده است." موسوی سپس به تشریح موضع رژیم ایران در باره گرایشهای کشورهای مختلف بسوی ایران پرداخت و ابراز نمود: "نزدیکی روابط ایران و شوروی به علت دید واقع بینانه آن کشور نسبت به جنگ ایران و عراق و موقعیت جمهوری اسلامی میباشد و ما در این باره خودمان را با جهان خارج بر اساس نوع رفتار کشورها و موضعگیری این کشورها تنظیم میکنیم و البته روابط اقتصادی قابل توجهی با شوروی داریم و اخیراً تصمیم گرفته ایم این رابطه را به حد معقول گسترش دهیم." وی در رابطه با موضعگیری دولت فرانسه با جمهوری اسلامی گفت: "در موضعگیری فرانسه قد مشتی برای بهبود روابط از سوی آن"



ورشکستگی اقتصادی!

شافعی وزیر صنایع رژیم طی مصاحبه مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی، مندرج در کیهان ۲۴ اردیبهشت، بازگرماروقامی به گوشه‌ای از وضع نابسامان صنایع کشور اعتراف نمود. این ارقام نشان می‌دهند سهمیه‌ارزی وزارت صنایع برای سرمایه‌گذاران و ایجاد واحدهای صنعتی که هر ساله به مبلغ بیشتری نیازمند است، نهمین افزایش نیافته بلکه از میزان آن کاسته شده است. تا جائیکه سهمیه‌ارزی سال گذشته وزارت صنایع که کمی بیش از ۲ میلیارد دلار بود، نسبت به سال ۶۱ قریب به ۲ میلیارد دلار کاهش یافته است. لازم به یادآوری است این سهمیه رسال ۶۲ بیشتر از ۳ میلیارد دلار بود. در صورتیکه برای قریب به ۶ هزار واحد صنعتی که در حال حاضر در ایران فعالیت میکنند، میلیارد دلار از رزمورد نیاز می‌باشد و بنا به گفته شافعی، وزارت صنایع نیاز سالیانه برای تأمین مواد اولیه، قطعات یدکی و ماشین‌آلات کارخانجات صنعتی را مبلغ ۶ میلیارد دلار برآورد نموده است. همچنین کارخانجات تحت پوشش وزارت صنایع با ۶۰ درصد حجم خود فعالیت میکنند. به علت عدم کارآیی و بی‌کفایتی در زمینه‌های اقتصادی رژیم با مشکلات اقتصادی فراوانی روبرو می‌باشد که بحران ارزی موجود یکی از نتایج آن است. و به علت مشکلات ارزی، وزارت صنایع رژیم بجای ۲ میلیارد و ۷۰۰ میلیون دلار که برای خرید ماشین‌آلات صنعتی نیاز ارزی دارد، تنها توانسته است مبلغ ۲۵۵ میلیون دلار برای سرمایه‌گذاران جدید و واردات ماشین‌آلات صنعتی اختصاص دهد. □

روزافزون نیروهای آمریکائی وانگلیسی در منطقه خلیج فارس به نظر می‌آید که اساسی است که باید جهان اسلام به آن بسپرد از "در پایان ابراز نمود که جمهوری اسلامی مایل است برای ایجاد "روابط دوستانه" با کشورهای مسلمان منطقه اقدامات عملی مبذول دارد. البته باید خاطر نشان ساخت در شرایطی که رژیم جمهوری اسلامی بهیچوجه مایل به خاتمه جنگ ایران و عراق نیست و در ادامه جنگ کلیه پیشنهادات صلح را از جانب هیئت‌های صلح رد نموده است، باید یقین وزیر امور خارجه عربستان سعودی در نظر دارد با تهدید و ارباب و همچنین دادن وعده‌های گوناگون از طرق مختلف عربستان سعودی را وادار کند تا از حمایت و جانبداری خود نسبت به عراق کاسته و از این طریق عراق را تحت فشار قرار دهد. لازم به تذکر است که عربستان سعودی بزرگترین پشتیبان مالی عراق در جنگ می‌باشد. در ضمن بعلمت اشباع نفت و کاهش قیمت آن در بازارهای جهانی هر دو کشور ایران و عربستان سعودی با بحرانهای اقتصادی و مالی روبرو شده‌اند. بهمین دلیل هر دو کشور با وجود موضعگیری مختلف در قبال جنگ ایران و عراق مجبور به چاره‌جویی شده‌اند.

سعود الفیصل در پایان اقامت خود در تهران در یک گفتگوی مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی مذاکرات خود را با مقامات جمهوری اسلامی "بسیار صریح، جدی و مثبت" دانست. قابل توجه است که رژیم ایران خبر رسانه‌های خارجی مبنی بر اینکه وزیر امور خارجه عربستان سعودی حامل پیامی برای آتش‌بس بین ایران و عراق در ماه رمضان بود، رایج شایعه خواند.

بقیه ایران، در ماهی که...

کشور باید برداشته شود. از جمله وام یک میلیارد دلاری که در اختیار فرانسه بود که باید به جمهوری اسلامی پرداخت شود و تا فرانسه این مسئله را حل نکند نباید امید برای بهبودی روابط داشته باشد. وی در پایان مصاحبه خود اشاره نمود که مانعی برای شرکت آقای بازگان در انتخابات نمی‌بیند و ایشان میتوانند در انتخابات ریاست جمهوری اسلامی شرکت کنند.

سفر وزیر امور خارجه عربستان به تهران

در تاریخ ۲۸ اردیبهشت ما سعود الفیصل وزیر امور خارجه عربستان سعودی همراه با هیئت سیاسی وارد تهران گشت. این سفر بنا به دعوت ولایتی وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی، برای مذاکره پیرامون گسترش روابط فیما بین صورت گرفت. قابل توجه است که این اولین سفر یک مقام بلند پایه عربستان سعودی به ایران در طی حکومت ۶ ساله رژیم خمینی می‌باشد. وی در طول اقامت در ورزوه خود با ولایتی، حسین موسوی‌نخست وزیر، خامنه‌ای رئیس جمهور و رفسنجانی رئیس مجلس دیدار و ملاقات کرد. سعود الفیصل با تأکید بر اهمیت چنین فرصت‌گرانبهایی گفت: "کشور پادشاهی عربستان سعودی در جهت همکاری با جمهوری اسلامی ایران در زمینه روابط دو جانبه و حل مشکلات منطقه آمادگی کامل دارد".

خامنه‌ای در ملاقات خود با وزیر امور خارجه عربستان با بیان خطری که منطقه را تهدید میکند چنین تأکید نمود: "امروز ساله حضور

بقیه از صفحه ۵

ارزش واقعی انسانها در معتقدات مذهبی، اجرای مراسم دینی و پند داشتن هیچگونه مذهب نیست، معیار سنجش، مبارزات و مکرراتیک در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی برای استقرار آزادی در ایران است.

نخواهند داد. آزاد یخواهان، مبارزات یک شخص مذهب را در راه سرنگونی رژیم اسلامی مورد تأیید و تشویق قرار میدهند و اعتقادات و گرایشهای مذهبی او را یک امر شخصی و خصوصی میدانند. در عین حال توجه دارند و تحت هیچ شرایطی اجازه نمیدهند که مذهب از صورت یک امر شخصی بیرون آمده و در امور سیاسی دخالت کند.

آزادی برای داشتن دین و پند داشتن هیچگونه دینی. آزادی - خواهان ایران به آزادی برای داشتن هرگونه مذهب و به آزادی برای بجا آوردن مراسم مذهبی مردم احترام میگذارند. در عین حال این آزادی را برای کلیه کسانی که معتقد به خدا و مذهب نیستند نیز قائل میشوند. آزاد یخواهان ایران هیچگونه فرقی بین مذاهب گوناگون، بودائی، مسیحی، زرتشتی، یهودی، مسلمان و همچنین شاخه های مذهبی شیعه، سنی، بهائی و... قائل نیستند. زیرا ارزش واقعی انسانها در معتقدات مذهبی، اجرای مراسم دینی و پند داشتن هیچگونه مذهب نیست! معیار سنجش، مبارزات و مکرراتیک در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی برای استقرار آزادی در ایران است. بنابراین هرگونه تبعیض و خشونت بر علیه کلیه اقلیتهای مذهبی و همچنین افراد و نیروهای غیر مذهبی محکوم است و هر کس آزاد است که از هر دینی که میخواهد پیروی کند و یا هیچ دینی معتقد نباشد.

مردود بودن اعلان جنگ بر علیه دین. اعلان جنگ بر علیه دین بوسیله برخی از روشنفکران یک انحراف بزرگ در مبارزه اصلی بشر ضد رژیم جمهوری اسلامی است. بدین ترتیب آنان بدین اینکه با ظرافت در دهای جامعه ایران را از طریق سیاسی - ایدئولوژیک مورد بررسی قرار دهند و آنرا برای مردم روشن نمایند، مبارزه بر علیه مذهب را بمثابه یک وظیفه سیاسی مطرح میکنند و این دقیقاً آن چیزی است که رژیم جمهوری اسلامی خواهان آنست: بحث، بحث اسلام و "مذهب محمدی" میگردد و رژیم با تمحیق و فریب مردم با پنهان نمودن اهداف سیاسی و ضد مکرراتیک و ضد مردمی به اجرای برنامه ها و نقشه های خود میپردازد. بنابراین آزاد یخواهان میبایست با هوشیاری به توضیح همه جانبه لایله اساسی سپارسی - اقتصادی مسئله بپردازند و برای مردم روشن کنند که چرا نفوذ مذهب، اعتقادات شدید مذهب و خرافات و اوها در ریبین طبقات فقیر و زحمتکش کارگران و دهقانان و همچنین طبقات متوسط بسیار ریشه دار میباشند؟ متأسفانه برخی از روشنفکران، زمانی در هنگامی که کارآمدن رژیم مطرفنداری همه جانبه از اسلام بقیه در صفحه ۱۷

گذشته از دخالت روحانیون در امور سیاسی ایران و سپهر برداری کشورهای استعماری از آن با بکار بردن سیاستها و روشهای زیرد حل مشکلات و مسایل پیچیده و انبوه جامعه مذهب و خرافات - ایران قدم بردارند:

دین باید از سیاست جدا باشد. آزاد یخواهان ایران باید بطور خستگی ناپذیر با هر نوع برخوردی در مورد دخالت دین در امور سیاسی در هر زمان و هر شرایطی شدیداً مبارزه کنند و به افشای توطئه های گوناگونی که از طرف دشمنان آزادی ایران اعمال میگردد بپردازند و خواهان جدائی کامل دین از سیاست گردند.

دین طبقاتی نیست. باید با هرگونه تلاش در جهت طبقاتی جلوه دادن مذهب، تقسیم کردن آن به دین انقلابی و ارتجاعی، دین مستضعفین و مستکبرین و... مبارزه نمود و افشای آن پرداخت.

دین مترقی نیست. "دین تریاک مردم است" این گفته اندیشمندان حقیقتی را عیان میکند که ما امروز بوضوح آنرا در کشور خود میبینیم. آزاد یخواهان ایران میبایست با صبر و حوصله فراوان در جهت آگاهی مردم در باره تاریخچه پیدایش دین و رشد آن در جوامع عقب ماند بطور خستگی ناپذیر کوشش کنند. باید برای مردم بسا در لاسوزی بسیار توضیح داد که چرا در جوامع عقب افتاد و تعصبات خشک مذهبی حاکم است و هراندازه انسانی مذهب تریا شد بهمان اندازه از دینک واقعیتهای جامعه، علم، طبیعت و روابط اجتماعی، سیاسی و روانی عاجز تر و هراندازه از مذهب و تعصبات دینی دورتر باشد بهمان اندازه زمینش صحیح تری پیدا میکند. مردان بزرگ سیاسی معاصر که موجب تغییرات بزرگ اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و پیشرفت و ترقی در جهان شده اند از اینگونه اند.

داشتن اعتقادات دینی بعنوان یک امر شخصی. آزاد یخواهان ایران با وجود اینکه بر علیه هرگونه دخالت دین در امور سیاسی مبارزه کرد و در افشای آن خواهند کوشید. اعتقادات دینی را تا زمانی که یک امر شخصی باشد محترم خواهند شمرد. و در هیچ هنگامی معتقدات مذهبی اشخاص را مورد استهزاء و تحقیر قرار

نگاهی بر

مطبوعات و اعلامیه‌های خارج از کشور

● مجاهدین خلق و اطلاعیه

آقای پرویز یعقوبی

اخیرا اطلاعیه آقای پرویز یعقوبی خطاب به "هموطنان عزیز، نیروهای انقلابی و مترقی اعضا و هواداران سازمان مجاهدین خلق ایران" برای ما ارسال گردید. ایشان پس از برداختن به برخی از مسائل درونی سازمان مجاهدین از عدم موجود روابط در مکرانیک و سالم زمین رهبری مجاهدین بشدت انتقاد نمود. در قسمتی دیگر از اطلاعیه همچنین ابراز داشته‌اند که تحت رهبری "پورتونیستی" سازمان مجاهدین در طی سه سال گذشته ۸٪ از اعضا و کارها و تقریباً کلیه پایگاه‌های داخلی را از دست داده‌است. ایشان مسئولیت کلیه شکست‌ها و کاستی‌ها را بر عهده رهبری سازمان میگذارند و از آن میدانند که رهبری سازمان با وجود اینکه هرگونه مذاکراتی را با رژیم جمهوری اسلامی خیانت به مردم ایران تلقی مینماید مبادرت به ارسال سه پیام بیایی از ۲۷ فروردین ماه‌الی مرداد ۶۳ به خمینی کرده و رژیم اسلامی تقاضای اجرای انتخابات آزاد را دارد. آقای یعقوبی سپس بیان میدارند که رهبری سازمان مجاهدین به بهانه‌های گوناگون از اجرای مکراسی سرپا زده‌ها و "برگزاری انتخابات ویرانی کنگره و تدوین اسلنا مه و کنترل و حسابرسی مرکزیت در سازمان" جلوگیری بعمل آورد است. ایشان همچنین از آقای رجوی و خانم عضدانلو

را محکوم کرده و بیان میکنند که انتشار خبرین از دواج "موجی از انزجار و نفرت و اعتراض همگانی" را در برداشت. در پایان این اطلاعیه اعلام میگردد که از تاریخ ۶۴/۱/۱۵ هر کس اطلاعیه مجاهدین خلق را مبنی بر ازدواج رهبر تائید یا امضا کند یا بگریه و یا هوادار شد. . . سازمان مجاهدین خلق نبوده و نمیشد. از طرفی دفتر مجاهدین خلق طی اطلاعیه‌ای در پاریس شدیداً به آقاسی یعقوبی حمله ور شد و ایشان را یک "خائن" نامیدند. البته نباید این امر را از نظر دور داشت یکی از علل اساسی مشکلات مجاهدین اینست که مینا و پاید غولوزیک سازمان مجاهدین خلق در خالت دادن درین در امور سیاسی برقرار شد است. بنا بر این امکان پذیر نیست آنان بتوانند روابط در مکرانیک را در رون خود برقرار کنند. عکس العمل و اعتراض منطقی و برحق آقای یعقوبی و همسرشان خانم مینا ربیعی در قبال روابط ضد مکرانیک و سرکوبگرانه رهبری مجاهدین نتیجه طبیعی این طرز تفکر و برخورد‌های ناشی از آن میباشد. امید است که اعضا و طرفداران مجاهدین خلق که با ایران و آزاد آن میانند باشند، با بهره گرفتن از شرایط مکرانیک خارج از کشور و بالا بردن سطح آگاهی‌های سیاسی - ایدئولوژیک با واقع بینی خود را از قید و بند تفکوری استعماری ادغام بین سیاست برهانند تا بتوانند هر چه زودتر راه مبارزات صحیح مکرانیک و آزاد یخواها قد میگذارند.

● توطئه سکوت!

بدنبال از دواج "فرخنده و انقلابی" آقای مسعود رجوی با خانم مریم عضدانلو که تحت لوای "انقلاب نوین مکرانیک" صورت گرفت و با زتاب وسیعی را در برداشت گروهها، سازمانها و افراد بسیاری اعتراض و خشم خود را نسبت به این عمل ابراز نمودند. اما در این میان سکوت مرموزی توجه بسیاری را به خود جلب کرد. سکوتی از جانب یکی از بزرگترین گروههای که پیش از چهل سال دارای سابقه مبارزاتی "بوده" صاحب نظر در کلیه مسائل پیچید سیاسی - ایدئولوژیک و . . . بشمار میآید. حال سوالی که مطرح میباشد، این است برآستی چرا حزب تودمپس از "انقلاب رها کیش" مجاهدین توطئه سکوت را اختیار نمود و به آرامی از کنار آن گذشته است؟ آیا برکاسه نیسم کاسه‌ای نیست؟ با توجه به سابقه حزب توده و شایعاتی که در مورد رخنه این حزب در رون سازمان مجاهدین وجود دارد منطقی و بجاست که حزب تودم سکوت را شکسته و نظر خود را در این مورد بیان نماید که آیا موافق این "انقلاب نوین مکرانیک" است یا مخالف آن؟ در صورت عدم موضعگیری با گذشت زمان این فکر در مردم تقویت خواهد شد که میباید برنامه‌های ناگهانی و پیچیده‌ای که موجب همپاشیدن وجهه مجاهدین گردیده، زیر نظر حزب تودم تدوین و به مرحله اجرا درآمده است.

بقیه از صفحه ۱

۱- پرسش

بیرامون اطلاعیه "جمهوریخواهان ملی" ۰۰۰ مطالب آنرا مورد بررسی قرار دهند. با احترام و تأیید مبارزات د مکرانیک د وستا ن عزیز "جمهوریخواهان ملی" در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی بعنوان دشمن اصلی ملت ایران، چون اعلامیه نسبت به برخی از سبایل مربوط به جنگ ایران و عراق کلی برخوردار نمود. هواداران ایها مآت چندی است، تصمیم گرفتیم مظهر کردن پرسشهای کبرای ما و برخی دیگر از وستا ن آزاد یخواه، ملی و مترقی بوجود آمده، از آنان بخواهیم که بد آنها پاسخ گویند. همچنین بعلمت حساس بودن مسئله تاد ریافت پاسخ و موضعگیریهای بعدی د رآیند های نزدیک از هرگونه پیشد اوزی د ر باره اعلامیه خوددار نمود. هوصیما نه ویی شاقبها مطرح کردن ۱۰

پرسش زیرخواهان رفع ایها مآت میباشیم. به این امید که وستا ن محترم "جمهوریخواهان ملی" و سایر ایرانیان آزاد یخواه، مترقی و ملی به نقد صریح اشکالات و اشتباهات یکدیگر بپردازند. تا از این طریق کژیها و کاستیها برطرف گردد. بطوریکه بتواند در راهنا هموار نیمود های که در مقابل کلیه آزاد یخواهان راستین ایران میباشد گامی بجلونهاد. پرسشهای د هگانه به قرار زیر میباشند:

- ۱- کد امیک از د وکشور ایران و عراق تحت لوای "صد ورا انقلاب اسلامی" مدتها پیش از آغاز جنگ به خالت د رامورد اخلسی کشور های همسایه میرد اخت وزمینها ایجاد جنگ رابا تحریکات بسیار برای سرنگون کردن د ولت های همسایه موجود آورد؟
- ۲- منافع کد امیک از د رژیم ایران و عراق د راه جنگ نهفته است؟
- ۳- کد امیک خواهان پایان جنگ هستند؟

بقیه از صفحه ۱

نظری بر اطلاعیه دفتر سیاسی حزب دمکرات

علل اساسی که به این جدائی منجر شد، طرح چند نکته و سوال را در این مورد از رهبری حزب دمکرات ضروری میدانیم:

۱- همانگونه که در اطلاعیه منبوردان اشاره شد است، مگر از همان ابتدا احزاب دمکرات ضمن آگاهی کامل "هم از اشکالات ترکیب شوراهم کاستیها و نارسایی های آن"، اصول کلی برنامه شوراران نیز برفته و بر آن صحه نگذار د مبود؟ و در نتیجه هموار تا قبل از اعلام جدائی با تأکید بر "تنها اکثریت" و "دمکراتیک" یعنی "شورای ملی مقاومت"، بر تمام تصمیمات آن مهترتائید ننهاد است؟ چگونه است پس از گذشت چهار سال عضویت و شاهد بسیاری از روابط انحصار طلبانه و غیر دمکراتیک مجاهدین و جنبین شورائی بود تازه د رصد جدائی برآمد ند؟

۲- اگر علت اصلی جدائی حزب دمکرات از شوراهم وجود روابط غیر دمکراتیک تحمل ناپذیر حاکم بر آن بود، چرا احزاب ابتدا پیشقد مبرای این جدائی نشد ه و بر خوردی اصولی و انتقادی د ر رد چنین شیوه های اتخاذ نکرد ه است؟ و تنهائیس از بالا گرفتن اختلاف بر سر "مسئله مذاکر مبر رژیم" و وزیر سوال کشیدن حزب از سوی شوراهم این عمل صورت گرفت؟

۳- حزب دمکرات که با امضاء مفاد، مقررات و ملزومات شوراد ر تصویب آنها سهیم بود و ضمن افتخار به عضویت د ر شوراد رجعت گسترش وجبهه های و دمکراتیزه کردن آن کوشش مینمود، اینک پس از استعفا ی خود آیا بهترینست د ر ادعای سازمان مجاهدین که علت اصلی جدائی حزب از شورارا "مسئله

بقیه د صفحه ۲۰

۴- آیا رژیم اسلامی با عمد نمودن جنگ بعنوان مسئله اصلی به تحکیم و تثبیت ارکان خود نپرداخته است؟

۵- آیا آنگونه که رژیم خمینی و برخی از احزاب سازمانهاد را وایل جنگ ابراز میکردند، جنگ ایران و عراق یک جنگ میهنی است؟

۶- آیا ارتش و سپاه پاسداران میتواند مستقل از سیاستهای جنگ طلبانه رژیم اسلامی عمل کنند؟

۷- با د ر نظر گرفتن اینکه نمیتوان در آن واحد د ارای و دشمن اصلی بود، دشمن اصلی مردم ایران کیست؟

۸- آیا آزاد یخواهان ایران میتوانند قبل از سرنگونی رژیم اسلامی بطور "ما خود آگاه" به سخنگوی جمهوری اسلامی تبدیل شد ه و د ر رون اپوزیسیون تقاضای خسارا وارد ه از د ولت عراق را بنمایند؟

۹- د ر چنین صورتی، د ر رهنگای که رژیم

اسلامی بر ایران حاکم است این خسارات به کد امر رجع از طرف عراق باید برد اخت گرد د؟ و اگر د ولت عراق "به مسئولیت شروع جنگ کردن نهاد میرد اخت خسارات وارده را با ا حاله سریع امر به د اوری د ریک مرجع بین المللی بپذیرد" و به رژیم ایران خسارات وارده را بپردازد، آیا د ریافت چنین خساراتی کمک به تحکیم رژیم جنایتکار اسلامی نمیکند و آزاد یخواهان ایران د ر این مورد چه موضعی را باید اتخاذ کنند؟

۱۰- اگر د شرایط کنونی عراق به ایران تجاوز کند (مانند اوایل جنگ) وظیفه آزاد یخواهان ایران چیست؟ آیا آزاد یخواهان ایران میتوانند با رژیم اسلامی د ریک صف واحد و بر علیه دشمن خارجی بنهرد بپوزانند؟

۱۱- رجوع به اعلامیه "د فترهما هنگ" کنند ه جمهوریخواهان ملی ایران

شعر و ادب

غم دوست

صبح بی خند و دین گریه کنان از غم دوست
 ای د صبح چه داری خیر از مقدم دوست ؟
 برخود مگر چه می آید و برخند ه دوست
 تا تبسم چه کنی بی خیر از تبسم دوست
 ای نسیم سحر از من به دل آرام بگویی
 که کس جز تو ندانم که بود محرم دوست
 گوگم ای یار برای دل اغیار مگیر
 دشمن این نیک پسند که بود محرم دوست
 تو که با جانب خصمت یارادت نظرست
 به که ضایع کنی داری طرف معظم دوست
 من نه آنم که غم و گفت تو خود دانی نیک
 کهند ارد دل دشمن خیر از عالم دوست
 نی نی ای باد برو حال من خسته مگویی
 تا غباری ننشیند بدل خیرم دوست

هر کس مرا غم خویشست و دل سعدی را

همه وقت غم آن تا چکند با غم دوست

"گلستان سعدی"

در راستی

راستی کن که راستان راستند
 در جهان راستان قوی دستند
 قول و فعل تو تا نگر در راست
 هر چه خواهی نمود جمله هب است
 تا نگر در درون و بیرون راست
 بوی صدق از تو برخواهد خواست
 تا تو باشی و ز راستی مگذر
 مکش از خط راستکاران سر
 راستی و ز روستگاری بیسن
 یارشو خلق را و یاری بیسن
 "جام جم اوحدی"

یک مرد

یک مرد ، تا زنده است ، نرم و خمیدد
 مرگ سفت و سرد است ، همین گونه ، همه چیز - برای
 نمونه ، علف و درختان تا زنده هاند ، خمیدد و نرم هاند
 در مرگ خشک و شکنند ه میشوند .
 پس سفت و سرد بودن راه مرگ است و رام و نرم بودن
 راه زندگی . سلاح سفت شاید بشکند ، در سست
 همان گونه که درخت سفت شاید شکاف بردارد .
 سخت و خشک از جای خود می لغزند ، نرم و خمیدد
 به بالای آنها می رسند .

سختی و نرمی

هیچ چیز در جهان خمیدد برتر و نرم تر از آب نیست ،
 ولی حتی سخت ترین و سفت ترین چیزها هم نمیتوانند
 به آن چیره شود .

* حکایت *

شخصی خانه به کرایه گرفته
 بود . چوبهای سقفش بسیار صدا
 میکرد . به خداوند از بهر مرمت آن
 سخن بگشاد . پاسخ داد که :
 " چوبهای سقف ذکر خداوند میکنند "
 گفت : " نیک است اما میتوسم این
 ذکر منجر به سجود شود . "

از رساله دلگشای عبیدزاکانی

بقیه از صفحه ۸

جنگی از جنگ ایران و عراق بهره می جویند؟

میباشد، مورد تجاوز قرار داده است. ثالثاً وجود این ابرقدرت بزرگ - با داشتن کارگزار و سخنگوی بسیار وفادار و حرف شنوی چون حزب توده، که اتفاقاً از نفوذ فراوان و روبه رشدی در ر. ج. ۱۰ برخوردار است - نمیتواند در سیاستهای میهن ما بی تاثیر باشد. بنابراین توجه به مواضع حزب توده و "حزب برادری" در مورد ایران میتواند مآرک و بارزک بسیاری از سایل بفرنج و پیچید همک نماید. در نوامبر ۱۹۸۱ از طرف یلنوم وسیع "حزب کمونیست عراق" که مانند حزب توده روابط بسیار حسنه ای با شوروی دارد نامه ای به کمیته مرکزی حزب توده در مورد جنگ ایران و عراق نوشته شد که توجه به آن کمال اهمیت را دارد. در قسمتی از نامه آمد: "کمیته مرکزی حزب کمونیست عراق . . . سیاست رفیقانه خود را در مورد همبستگی شما با مبارزه حزب ما علیه رژیم تجار و زکاتار و یکتاتوری ابراز میدارد. و به مبارزه قهرمانانه شما برای حفظ صیانت انقلاب ایران . . . در رود میفرستد. کمونیستهای عراقی جریان مبارزه میگیرند و بتکارات حالی در راه اتحاد کلمه نیروهای شرقی ایران برای مقابله با د ارد سته بیکتاتوری بغداد و همچنین مبارزه شما برای خنثی کردن توطئه های امپریالیسم و ویژه آمریکا . . . (را) با دقت فراوان دنبال میکند. روابط گرم و صمیمانه ای که در حزب برادری رابیه هم پیوند میدهد، ما به افتخار و سرفرازی کمیته مرکزی حزب ماست." (تاکید از نویسنده)

از این نامه چه چیزی را میتوان درک نمود؟ اولین نتیجه ای که میتوان گرفت اینست که حزب توده و حزب کمونیست عراق دارای یک سیاست هماهنگ و مشترک در مورد جنگ میباشند. ثانیاً ایجاد و گسترش

"جنگ میهنی" ر. ج. ۱۰ و پیروزی در آن نه تنها خواسته و "حزب برادری" یعنی حزب توده ایران و حزب کمونیست عراق است بلکه آزادی حزب برادری و رسوم و عادت و حزب دیگر نیز میباشد. بنابراین میتوان به این نتیجه رسید که منافع و مواضع سه حزب نامبرد در مورد جنگ کاملاً مشترک، هم سو و در یک جهت است. حال بگذریم از آقای خمینی و سایر آخوند ها و ر. ج. ۱۰ فریاد بزنند و شعار "مرگ بر شوروی" را هم بدهند و با از سیاست "نه شرقی و نه غربی" جمهوری اسلامی "و" استقلال" و اسخن بدهند. آیا این شعارها میتواند کمترین نقشی در تغییر سیاست مشترک و همبستگی استراتژیکشان ایفا کند؟ البته روسیه شوروی در مورد جنگ ایران و عراق یادقت و ظرافت خاصی همواره سعی نموده تا از موضعگیری مشخص خود دری نماید و حتی در ظاهر سیاست بی طرفی را برای مفشوش نمودن از همان مردم جهان اتخاذ نماید. خورشید حقیقت اکنون پس از ۲ سال از پس ابرها بیرون آمده و نمایان شده است. تنها بعضی ها خرید اسلحه از اسرائیل و برخی از کشورهای غربی را دلیل بروابستگی رژیم اسرائیل و ایالات متحد آمریکا میدانند. و عیلت نداشته معیار و ترازوی صحیح و دقیق قادر به تشخیص مسائل و سیاستهای پیچیده بین المللی نیستند و بالطبع از ایران هم چیزی نمیدانند بنابراین نمیتوانند در روابط و وابستگی های عمده و اصلی رژیم از روابط و وابستگی های غیر عمده و فرعی تمیز دهند و گنجی و سرگردانی سعی به گدازه گویی و سفسطه میکنند. بسیاری از نویسندگان "سطح بالای" ایرانی، ما و همچنین بعضی از نویسندگان غربی در این رد یغند. آیا ما روزانه بسیاری از آنان رو برو نیستیم و مقالاتشان را نمیخوانیم؟ خوارها کتاب،

جزوه و نشریه سیاه میشود و مرد مهنوز نمیدانند در ایران کد امنیروها در پس پرد میهن ما را به چنین روزسیاهی افکند هاند. این "دستان" بد و نوقه از رسالت و رهبری "شگرف" خود برای رهایی ایران حرف میزنند اما آنان بمشابه آن دستان نادانی هستند که نا آگاهانه در این دوران سخت و دشوار کوچکترین کمکی را نتوانسته اند برای حل مشکلات پیچیده و پیشمار ایران ارائه دهند ولی آن کسانی که کاملاً آگاهند و از روابط مطلع چطور؟ آنان با عمد کردن روابط رژیم اسرائیل و غرب میخواهند ذهن مردم را مفشوش نمایند تا مواضع مشترک ر. ج. ۱۰، حزب توده و روسیه شوروی در مورد جنگ پوشیده و مخفی بماند و بدین ترتیب ر. ج. ۱۰ را هر چه بیشتر بطرف اتحاد جماهیر شوروی بکشانند. اینسان بد و نترسد نمایندگان رژیم و وابستگان و هواداران حزب توده ایران میباشند. "راد یو صد ای ملی ایران" که از باکو و خاک شوروی به زبان فارسی برنامه پخش میکند، در تاریخ ۳۱ فروردین ماه سال جاری در تفسیری در مورد جنگ ایران و عراق به عراق اخطار نمود که:

"بهتر است شرایط ایران را برای صلح قبول نماید، زیرا عملیات فتح المبین به رژیم عراق ثابت نمود که تنها راه پایان دادن به جنگ پذیرفتن شرایط ایران است که ادامه آن موجب زیر پا گذاشتن منافع و وطن ایران و عراق است."

آیا هنوز کمترین تردیدی در سیاستهای عراق وجود دارد؟ در اینجا باید یاد نظر گرفتن مطالب ذکر شد نکته مهمی را مورد توجه قرار داد. توسعه و ادامه جنگ و قیابنفع کیست؟ چه کسانی از جنگ ایران و عراق بهره میجویند؟ حزب توده ایران در اعلامیه کمیته مرکزی



بقه‌ده‌کسان از جنگ ایران و . . .

خود در سالگرد جنگ در تاریخ ۱۳۰/۸/۲۳
میتویسد :

" حزب تود هایران . . . مصرانه خواستار
آن شد مباد که برای مقابله با این توطئه ضد
انقلاب و جمهوری اسلامی همه نیروهای
مادی و انسانی میهن ما تجهیز شود ، از
تمام استان انقلاب ایران در صحنه
جهانی کمک گرفته شود . تا دفاع از انقلاب
و جمهوری اسلامی و دفع تجاوز و زبانه‌زنی
ممکن گردد . " (تاکید از نویسنده)

در همان اعلامیه وارد یگازگمک
در استان انقلاب ایران در صحنه جهانی
سخن میراند . این تاکید بیش از اندازه و
غیرعادی برای چیست ؟ آیا این نشان
نمیدهد که نقشه‌های حساب شده‌ای در
پشت پرده مطرح ریزی شده است ؟ جنگ
ایران و عراق همانگونه که اشاره شد مدتها
پیش از جنگ بوسیله حزب تود تبلیغ و
پیش بینی شده بود . پس از آغاز جنگ
حمایت علنی وی چون و چرا برای کشورهای
لیبی ، سوریه ، یمن جنوبی و حزب کمونیست
عراق را در بر داشت آیا این حمایت
تصادفی است ؟

حزب تود در مقاله‌های بقلم " ه . حاتمی "
تحت عنوان جنگ تحمیلی عراق محکوم به
شکست است میگوید :

" ضربات ارتش در این جنگ ما جراحیوانه
شرایط را برای سقوط دیکتاتوری صدام
فراهم میکند و خلق برادر عراق را از
دست این رژیم خود کامه‌رهایی میدهد و
راه را برای روی کار آمدن گروههای انقلابی ،
ضد امپریالیستی و مردمی در عراق هموار
میکند . " (تاکید از نویسنده)

آیا سندی گویاتری را میتوان یافت که
ثابت کند حزب تود در روسیه شوروی تنها
هدفشان همان سقوط رژیم صدام حسین
و روی کار آمدن " گروههای انقلابی " ! و

" ضد امپریالیستی " است . این گروههای
انقلابی " کدامند ؟! منظور همان حزب
کمونیست عراق است ! بنا بر این حزب
توده ، حزب کمونیست عراق و ر . ج . ا
هر سه دارای یک سیاست مشترک ، یکسان
در مورد جنگ میباشند و این سیاست همان
سیاست اتحاد جماهیر شوروی است .

۷- میهن پرستی حزب توده!

شاید این تئیر برای خواننده کمی
تعجب آور باشد ، میهن پرستی حزب
توده ! آیا چنین چیزی امکان پذیر است ؟
چگونه و از چه زمانی رهبران حزب توده
میهن پرست شده و در پیشاپیش وصف
مقدم از " سرزمین ایران عزیز " سخن
میگویند ؟

ما اگر سابق رهبران حزب تود در ادوار
طی ۴۰ سال گذشته مورد بررسی قرار
دهیم ، ملاحظه میکنیم جز آنانی که مدست
" رفقای رهبری " از پشت خنجر خوردند
و در نیمه راه از پای درآمدند ، ماهیچگونه
سابقه میهن پرستی نمی بینیم . پس ایسن
داعیه " میهن پرستی " از کجا نازل شده
است ؟ رهبران حزب تود پس از روی کار
آمدن دولت آقای بازرگان ، تمام کوشش
خود را بکار بردند تا با ایجاد تشنج ، آشوب ،
درگیریها و تیراندازیهای شبانه خیابانی ،
جنگ داخلی ، بمب گذاری و ترور دولت
را از پای در آورند . دولت آقای بازرگان
بسیار ضعیف و متزلزل بود و بزحمت
میتوانست شیرازه امور را در دست گیرد .
رهبری حزب تود در آن هنگام منتهنهما
هیچگونه سخنی از " ایران عزیز ما " و " میهن
پرستی " و " استقلال " بمیان نمی آورد ،
بلکه با تبلیغات وسیع باناسیونالیسم و
میهن پرستی مخالفت میکرد و میهن پرستی
را مغایر با انترناسیونالیسم و در خدمت
امپریالیسم آمریکا میدانست . آنان

بالاخر نتوانستند با برنامه ریزیهای دقیق
سفارت آمریکا را تسخیر کنند و سبب برکناری
دولت آقای بازرگان گردند . از آن پس
حزب توده از عیان داشت که هر کسی بر
علیه ر . ج . ا اسلحه در دست گیرد و یا
مخالفت کند ، به تشنج ، آشوب و جنگ
داخلی دامن بزند در جهت منافع
امپریالیسم آمریکا قدم برمیدارد ، تیراندازیهای
شبانه متوقف شد . تشنج و آشوبها فروکش
کرد . آنان تمام گروهها ، سازمانها و
نیروهای آزاد یخواه و مخالف را " ضد ملی "
" ضد ایرانی " و " خائن " نامیدند . و خود
به " ملی ترین " و " میهن پرست ترین " و
" مترقی ترین " نیروها تبدیل شدند . تب
" میهن پرستی " حزب تود مہدید های است
بسیار نوین " که با جنگ ایران و عراق بالا
گرفت . آنان در مقاله‌های تحت عنوان " جنگ
مقاومت حماسی " نوشتند :

" در جنگ مقاومت حماسی . . . تود هایبا
به رسم همیشه (!) در نخستین صفوف
خلق جان فشانی کردند . "

و در جای دیگر هنگامیکه یکی از آنان
زخمی میشود میگویند :

" پیکر رفیق . . . مانند صاعقه‌ای بر سر
بیمارستان فرود آمد . . . پیکر شعله‌ور
اساطیری ! که هر چند گاهی از مرز میان
مرگ و زندگی فریاد بر میآورد : زنده با
حزب تود هایران ، زنده با امام خمینی !
آری شعبده بازان حزب تود هایسن
گونه " حماسه " میافرینند . آنان " میهن
پرستی " را در زنده مباد حزب تود هایران و
" زنده مباد امام خمینی " ، در رکتار مردم
قهرمان و مستمید نکرد ، محاهدین خلق
ایران ، سرکوب و نابودی هزاران تن از
آزاد یخواهان و میهن پرستان راستین ،
در ایجاد و پراهنده اختن " جنگ میهنی "
و تشبیت و تحکیم ر . ج . ا می بینند . مواضع
اپوزیسیون ایران درست در نقطه مقابل و
بقیه در صفحه ۱۹

نامه‌های از ایران

... عزیزم :

... هنگامیکه این نامه را برایت مینویسم در روزی است که از مبارزان و اصابت آخرین موشک بر شهرود نتیجه کشته شدن جمع بیشتری از مرد میگذرد. در حالیکه در لاسا ملطوا زخمش و نفرت نسبت به رژیم اسلامی است، برای مرد مستعدید هود اغدا ثابت شده، سبب اصلی جنگ کیست! البته بیم و اضطراب از دست دادن جان خود و عزیزان و سایر هموطنان زجر دید همه را نگران کرده است. زیرا پس از بمب بارانها و کشته شدن مرد میگانها زمانه گان خانواده و دوستان با یستی تا آخر عمر با این فاجعه در درناک را تحمل کنند. در این میان نباید فراموش کرد این ما مرد مهستیم که با فشار این جنگ خانمانسوز را بردوش میکشیم. در صورتیکه تنها هیچگونه زبانی نصیب عالمین اصلی ادامه جنگ و نابودی ایران نمیگردد بلکه آنان از برکت جنگ موقعیت خود را تحکیم میبخشند... خشم و نفرت مردم نسبت به رژیم و ادامه جنگ بحدی است که حتی در هنگا همبازان منازل و شهرها توسط عراق شمار مرگ بر خمینی، جنگ در یگر پس است و... را سر میدهند. در بمبارانهای اخیر مردم به مخالفت علیه جنگ برخاستند و تظاهرات آنان مانند همیشه توسط پاسداران رژیم سرکوب گردید و عدوهای کشته و دستگیر شدند. از مبارزانها و اخیر و تظاهرات مردم علیه جنگ، آتسفر حاکم بر شهر و... مطالب زیادی درم که بنویسم اما در وضع روحی فوق العاده بدی قرار گرفته ایم و توان و حوصله هر کاری از ما سلب شده است... در اثر مبارزان در روز پیش که در چند نقطه شهر روی داد و از جمله اصابت موشک در ۱۰۰ متری منزل مسکونی ما، تعداد زیادی منازل مسکونی، چند یسن

بانک و مطب پزشکی و داروخانه و... بر سر ساکنین و کارکنان و مشتریان آن ویران گردید. من و بچه‌ها نیز از واقعیتی نصیب نمائیم. بر اثر انفجار موشک تمام شیشه‌های منزل شکست و در نتیجه همگی زخمی شدیم. علاوه بر این به علت از جا کنده شدن در اتاق و اصابت آن بر روی سرم، پیشانی شکافت برداشت. در بیمارستان تحت درمان قرار گرفتیم. من و... همانروز از بیمارستان مرخص شدیم اما... هنوز در بیمارستان تحت درمان قرار داد ولی جای نگرانی نیست و در سهالی چهار روز آیند به منزل برخواهد گشت... رژیم ما را کشته شدگان را ۱۱۰ نفر اعلام نمود ولی رقم واقعی چند برابر این تعداد میباشد. از شروع بمبارانها تا بعد از تعطیلات نوروزی مدارس تعطیل اعلام و امتحانات به بعد از ایام عید موکول شده است. مردم میگرد مناطق مرکزی شهر زندگی میکنند، از بیم جان شهر را ترک کرد هود ردهات یا حومه شهر نزد آشنایان خود بسربرد هود اتا قی را حاره نمود هاند. من و خانواده نیز در منزل... که در حومه شهر واقع است و از امنیت بیشتری برخوردار میباشد، بسر میبریم... آنطور که معلوم است رژیم ما میل نیست جنگ را خاتمه دهد زیرا جنگ را وسیله ای قرار داد تا از این طریق بر ناراضی مردم و مشکلات داخلی خود سرپوش گذارد. ... نمونه‌هایی از مخالفت مردم نسبت به رژیم اینست که شبانه شعاری بر علیه رژیم بر روی دیوارهای شهر مینویسند (البته عوامل رژیم صبح زود همه آن شعارها را پاک میکنند) این عمل در طی چند ماه اخیر در اغلب شهرها که امکان ادامه داشته است و این مسئله وحشت و نگرانی شدید رژیم را فراهم آورد و لبر ز مبراند اما شانند اخته است. همچنین مردم در هر جا تیکه هستند مثلا در محل کار، در تاکسی و... سردردل و شکوه و شکایت آنان از وضع موجود بساز

میشود... از وازد هتفری که در رمد رسه مشغول بکار هستی غیر از مری پرورشی که در همه مدارس و ادارات به عنوان مختلف به کارگمارد هشد هاند و در حقیقت نقش جاسوسی برای رژیم را بر عهده دارند. همگی مخالف رژیم و ادامه جنگ و هم عقیده در نیرنگ و فریب و خیانت آنان میباشیم... ولی عاقبت این جرقه‌های کوچک روزی به شعله‌های سوزند تبدیل خواهد شد و رژیم راه کام خود خواهد گرفت. □



بقیه: درباره ماهیت ادغام...

مترقی "پرداختند، در حالیکه امروز ۱۸۰ درجه تغییر موضع داده و با همان شدتی که از رژیم اسلامی طرفداری میکردند بر علیه اسلام و مذهب اعلان جنگ را صادر نمود هاند. هر دو این برخورد ها از ریشه اشتباه و غلط است. مسئله عمد ملت ایران اسلام و مذهب نیست. مسئله عمد ملت ایران سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و استقرارد مکراسی و آزادی در ایران است. بنابراین تنها از طریق شرکت در مبارزات و مکراتیک بر علیه روح است که مردم قادر میگردند به بهترین وجهی به ماهیت واقعی ادغام دین و سیاست پی برد هود خود را از بند اوها م و خرافات مذهبی برهانند. □

جمشید آریانپور فوریه ۱۹۸۵

یادداشتها

- ۱- تبیین جهان (۱- قواعد و مفهوم تکامل انتشارات مجاهدین خلق چاپ اول آذر ۵۸ ص ۴)
- ۲- گزارشی از چهارمین جلسه ماهانه بحث و گفتگوی نمایندگی شورای ملی مقاومت در انگلستان نشریه مجاهد ۸۹ ص ۶۵ و ۶۶
- ۳- همانجا

بحثی درباره جنگ ایران و عراق

تکرر هاند. آنان سازماندهی خودشان را میکنند. امید داریم که آنها ما را به جلسات خود دعوت کنند تا به بحث و مناظره بنشینیم. وی به سه اطلاعیه در مورد جنگ ایران و عراق اشاره نمود:

۱- اطلاعیه جمهوریخواهان ملی در شهر فرانکفورت

۲- اطلاعیه جامعه‌های دفاع از حقوق بشر

۳- اطلاعیه سوسیالیستهای آزاد یخواه

و خواندن اطلاعیه‌های فوق‌الزماست

و برخورد به آنها را تاکید نمود. سپس در

رابطه‌بخشی از سخنان نماینده راه‌کارگر

که گفته‌شمار سرنگونی مرز را تعیین میکنند و

... بیان نمود خواست شمار سرنگونی

رژیم خیلی جدی و مهم است و ما میتوانیم با

ارائه برنامه‌های عملی نشان دهیم چقدر

نسبت به این خواست پیگیر هستیم ویرای

سرنگونی رژیم چه برنامه مشخص داریم.

اولین مسئله هم این است که باید دید هر

نیروی سیاسی در رابطه قدرت سیاسی

چگونه برخورد میکند. در غیر این صورت یک

تجمع سیاسی نیست. (حتی عدای میتوانند

دانشمند هم باشند و در انقلاب هم

بخورند) ولی برنامه‌های عملی سه اطلاعیه

فوق مهم است و باید اولاً موضع مادر قبایل

آنها روشن بود و ما خواست دعوت از این

نیروها برای مناظره و بحث آزاد همراهِ

باشد، ثانیاً در طیف جنبش چپ و منظور

مشخص سازمان اقلیت که اکثر از شرکت

در چنین جلساتی خود داری کرد است،

(جز بحث پیرامون سیت) این مسئله وجود

دارد.

نامبرد بحث خود را با مرحله فعلی جنگ

ایران و عراق و تنگ‌های بر تاریخیچه و علل شروع

آن را ادامه داد و گفت عدای معتقدند که

جنگ را عراق شروع کرد و تعرض نمود ولی

طیف دیگر اینطور برخورد نمیکنند. و با در

نظر گرفتن سیاست جنگ افروزان رژیم آنرا

اجتناب ناپذیر میدانستند. یعنی اگر جنگ

را ادامه سیاست در شکل دیگری بدانیم

نتیجه میگیریم که اگر عراق شروع نمیکرد، ایران

شروع میکرد. زیرا یکی از ارکان حفظ رژیم

(ایران) مسئله "صد و انقلاب" به کشورهای

دیگر و کشاندن آنها به زیر پرچم خود بود و

برای ادامه حیاتش و گسترش منطقه‌ای انقلاب

اسلامی از طرق گوناگون با دامن زدن به

تحریکات داخلی زمینه را برای چنین عملی

فراهم کرد. وی این جنگ را، جنگ ارتجاعی

نامید و گفت برای رژیم ایران وضعیت "نه

جنگ نه صلح" میتواند مطلوب باشد تا یا

استفاد از زمان خود را برای تعرضات بعدی

آماد نماید. زیرا رژیم میدانند حیات و

آیند هاش به جنگ بستگی دارد و نباید در

این توهم بود که رژیم صلح را بپذیرد. در

مقابل عراق خواهان برهم زدن این تاکتیک

است و بنظر میرسد که با استفاد از اهرمها

مختلف میخواهد رژیم ایران را بیای میسر

مذاکره برای صلح بکشاند....

★ سومین نفر از طرف "وحدت کمونیستی"

سخن گفت و نظرات خود را حول موضوع

مورد بحث بیان کرد و به تاثیر عوامل جهانی

و فاکتورهایی که در ایجاد جنگ ایران و عراق

مؤثر بوده، اشاره نمود و گفت در زمینه رهائی

جدید که بزودی منتشر خواهد شد، این

مسئله شکافته شد است. وی در قسمتی از

سخنانش به تاثیر این جنگ در بین سازمانها

در شروع آن و به تحلیلی که از حاکمیت شده،

اشاره نمود و اینکه چگونه بعضی‌ها به دام

حزب تود ه افتادند. زیرا پایه‌های تفکر

تود ه ایسم را آنها وجود داشت و جنگ

باعث شد این تفکرها هویدا شود و نتیجه

همان بود که بدیم. وی ضمن انتقاد از

سخنان نماینده راه‌کارگر گفت: انتقاد شما

در مورد جنگ خیلی کلی بود و در پیشه‌ها

شکافته نشد و در ضمن بد رستی به تضاد ی

که در رگتار و تحلیل نماینده "راه‌کارگر" در مورد

ماهیت رژیم جمهوری اسلامی از همان ابتدا

روی کار آمدنش عنوان شد بود، و همچنین

به موضعگیری راه‌کارگر در مورد جنگ در اوایل

آن، اشاره کرد. وی در بخش دوم سخنانش

با آوردن فاکت این مسئله (تضاد در گفتار)

را مشخص تر بیان نمود. وی نظرات "وحدت

کمونیستی" در رابطه با پذیرش صلح از طرف

رژیم را اینگونه توضیح داد: ما برخلاف نظر

" جناح چپ" احتمال اینکه رژیم به صلحی

قطعی دست بزند، را بعید نمیدانیم و

اینکه رژیم میخواهد جنگ را بصورت فرسایشی

ادامه دهد، آنچنان درست نیست. وی

اضافه نمود صلح برقرار نمیشود مگر اینکه

رژیمهای ایران و عراق سرنگون شوند و در

سرنگونی رژیمهای جنگ طلب صلح واقعی

بدست نیاید. و اگر اکنون صلحی هم وجود

آید، به همان اندازه ارتجاعی خواهد بود

که جنگ آنها.

پس از دو اول سخنان سه گروه نامبرده

نوبت به طرح سوالات و نظرات حضار رسید

در این بخش در متن از حاضرین یکی به

هواداری از سازمان "اقلیت" و دیگری

بعنوان فردی آزاد، سوالات و نظرات خود

را مطرح نمودند. نخراول گفت: چون هیچ

مرزبندی برای حضور در چنین جلساتی

وجود ندارد، سازمان "اقلیت" شرکت

نمیکند. در عین حال هر سازمان و گروه و

نیروی میتواند از طریق ارگانهای انتشاراتی

خود، نظرات و مواضع خود را منعکس

نماید. در نتیجه چنین جلساتی نمیتواند

مطلب تازه‌ای به حاضرین بدهد و بنابراین

خسته‌کننده همیشه و موثر نیست. وی گفت

من بحث معینی روی مسئله جنگ ندارم جز

یک سلسله سؤال از "راه‌کارگر" که ضمن

طرح سئوالات خود اضافه نمود در مورد

بقیه از صفحه ۱۸

بحثی درباره جنگ ایران و عراق

نظر راه کارگر که شعار سرنگونی مرز انقلاب را تعیین نمیکند، باید گفت شعار صلح هم مرز نیروهای انقلاب و ضد انقلاب را تعیین نمیکند. برای کمونیستها ضروری است که این شعار را تعمیق داده و صلح واقعی را برای مردم توضیح دهند. زیرا از نهضت آزادی گرفته تا سلطنت طلب ها و کمونیستها همگی این شعار را میدهند.

(تاکید ها همه جا از ماست)

در رابطه با جلسه فوق لازم به یاد آوری است که در بخشی از سخنان نماینده "راه کارگر" مواضع ضد و نقیض آشکاری وجود داشت. وی با بیمان اینک امروز رژیم جمهوری اسلامی ضد انقلابی است و "از همان آغاز نیز تحلیل ماهمین بود". موضعی را اتخاذ نمودند که با واقعیت منطبق نیست. زیرا آنان تا مدت ها پس از زوری کار آمدن رژیم مواضع "انقلابی" و "ضد امپریالیستی" رژیم حمایت میکردند و ایمن امر را با رجوع به نشریات خودشان میتوان یافت. همچنین در رابطه با اوایل جنگ ایران و عراق و "لغزشهایی" که "راه کارگر" در چار آن شد بود، جز اشاره کوتاهی، از تعلق شرکت خود در "جنگ میهنی" رژیم سخنر بیان نیاورد.

بنظر ما چنین برخوردی نه تنها شیوه صحیح انتقاد از خود نیست، بلکه با کلی گوئی و پنهان کردن و نپرداختن به خطاها و بررسی نکردن نمونه های مشخص مواضع غلط نمیتوان در راه صحیح مبارزات در مکرر^{تیک} بر علیه رژیم اسلامی قدم برداشت. و ایمن امر نمیتوانست از دید حاضرین پنهان بماند. همانگونه که یکی از دوستان سخنران نیزید ان اشاره نمود.

بقیه :
نگاهی بر مطبوعات و ...

روزگارگرد تهران

ویژه نامه اول ماه مه سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (کمیته خارج از کشور) در گزارشات از روزگارگرد تهران اخبار موثق و جالبی از مراسم "گرد همائی" کارگران و وضع کارخانه های مختلف ارائه داده که درخور توجه است. در زیر توجه خوانندگان عزیز را به یکی از این گزارشات جلب میکنیم :

ساعت شروع مراسم : ۱۲ / ۱۰ / ۴۵ جمعیت شرکت کننده : ۳۵ هزار نفر سخنرانان : سرحدی زاده وزیرکار ، خامنه ای رئیس جمهور تاریخ : ۱۱ / ۲ / ۶۴ مکان : استادبوم آزادی - زمین چمن

در ساعت ۹ بود که دسته دسته کارگران از سربویا در یک کیلومتر پنج اتوبان پیاده شده و بطرف زمین چمن حرکت کردند. کارگران را ۲/۵ کیلو متر دورتر پیاده کرده و مجبور بودند مجموعه را دور بزنند و از درب دیگران وارد شوند که بقول یکی از کارگران می گفت میخواهند که ما این کار، ما همراهمی کرده و هم در مراسم شرکت کنیم و عکس و فیلم بگیرند، و در تلویزیون نشان بدهند. ساعت در حدود ۱۰/۴۵ بود که کارگران وارد استادبوم شدند و در قسمت زیرین مجموعه مستقر شده و در قسمت بالا "املا" از جمعیت خبری نبود و در این هنگام سرحدی زاده در حدود پنج دقیقه صحبت کرد و بعد از آن نوبت به خامنه ای رسید که تا بیست و سه دقیقه رفت، دسته دسته کارگران محل را ترک کرده و بیرون رفتند. در شروع مراسم جمعیت در حدود ۳۰ هزار نفر بودند که در این هنگام در حدود ۵ الی ۶ هزار نفر از مراسم خارج شدند و خامنه ای شروع به صحبت کرد و چون بپوش صحبت میکرد، کارگران اظهار کردند که صدا نمی آید و خامنه ای گفت هر کس صدای مرا نمیشنود از جایش بلند شود که تقریباً "نما می استادیوم" بپا خواستند و خامنه ای گفت، اگر صدای مرا نمی شنوید چطور بلند شدید و گفت کسانی که صدای مرا نمی شنوند تکسیر فرستند که صدای از بیخ و کمیته وسپاه که در زیر جایگاه بودند تکسیر گفتند و نقد همانطور ایستاده بودند و حرفی نمی زدند که خامنه ای از مسوولین موجود است که به این اشکال صوتی رسیدگی کنند (در اصل صدا حرات نسبی و کارگران می خواستند ادبیت کنند و مسخره کنند) در دومین سخنرانی خامنه ای دسته دسته محل را ترک کرده و بد بیرون می رفتند. بطوریکه در آخر سخنرانی حدود ۵ الی ۱۰ هزار نفر بیشتر نبودند. آن هم از افراد بسیج، انجمن اسلامی وسپاه که در آنجا بودند و تعدادی دیگر که بسطر بودند سخنرانی تمام شود و بد سوی سربویا رفت و به حسابها سان بروند و در بین کارگران سبها چیزی که دیده نمی شد کوس کردن به حرفهای رئیس جمهور بود و هر کس کار خود را میکرد. اگر در وقت و سبها کرفته نا در دلدل های دیرینه و حال و احوال کردن کارگران را دوسان و همکاران قدیمی خود، بعضی ها در زیر سبها نشستند و فکر فرو رفتند و بودند و تعدادی از کارگران با یکدیگر سوچی میکردند و بد هم نفس میدادند و بد سوچ میکردند. سخنرانی خامنه ای همه خبر داشت بجز اینکه امروز چه روزی است و کارگران چه خواسته هایی دارند، مسامحه حرفهایش در مورد گروهها و حملات شدید به کمونیستها و سوسیالیستها بود و کارهایی که بعد از انقلاب انجام داده و حرکتیایی که الان می کنند در جهت بسن در کارخانه ها و اعصاب کارگری که در حدود ۱۶ سال داشت گفت با اینها راجع به همه خبر صحبت کرد. خبر کارگر، این هم بد روز کارگر؟ مسخره باری است.

بقیه : چه کسانی از جنگ ایران و ...

مخالف مواضع حزب تود همیاست باشد
آزاد یخواهان واقعی برخلاف "تود هاپا"
اکتون میدانند که تنها از طریق مبارزه برای سرنگونی ر. ج. ا. واقشا نمودن تشویریسینها
مزد و روعوام فریب است که میتوانند ایران را نجات دهند. حال بگذر رهبری حزب تود هر چه بیشتر این جبهه بندی را احداث کنند! "میهن پرستی" حزب تود متنها در خدمت منافع دشمنان واقعی داخلی و خارجی مردم ایران است. این میهن پرستی کاذب روایع عنوان نمونه ای منفی به ما می آموزد که چگونه به مکر و حیله و توطئه های حزب تود ه و ر. ج. ا. و حامیان خارجی اش پی بپیریم!

دوستان حقیقی مردم ایران را که هم اکنون در جبهه های مختلف درگیر نبرد خونین و سهمگینی بار... امیباشند، بشناسیم. رهبران حزب تود ه نمیدانند که "جنگ میهنی" و میهن پرستی قلابی آنها تنها موجب میگردد که اپوزیسیون ایران مرز بین دشمنان واقعی و دوستان حقیقی را بهتر تشخیص داد و در راه مبارزه با عوامل مغربیان و شیادان مزدور و برای اتحاد با دوستان حقیقی تلاش کنند. (ادامه دارد)

دوستان عزیز!

به این آدرس با ما مکاتبه نمایید:

SAYADI
B.P. 211
92220 BAGNEUX
CEDEX - FRANCE



گزارشی از جلسه:

بحثی درباره جنگ ایران و عراق

بدعت انجمن فرهنگ و ادب یسه تاریخ ۱۶ ماهه ۱۳۶۱ اردیبهشت ماه ۶۴ جلسه بحثی بیرون جنگ ایران و عراق ترتیب داده شد. این برنامه در ساعت ۳ بعد از ظهر آغاز و ساعت یک ربع به ۸ خاتمه یافت. در ابتدای جلسه مجری برنامه اعلام نمود که قرار بود در ریخت امروز ۷ گروه شرکت نمایند، اما اکنون فقط سه گروه اعلام آمادگی کرده و حول نظرات خویش سخن خواهند گفت. در عین حال برنامه بگونه‌ای تنظیم شد که در فاصله دو و سه سخنرانها از افراد حاضر در جلسه کسانی که مایل به اظهار نظر هستند یا سؤالاتی برایشان مطرح است، میتوانند با گرفتن وقت صحبت نمایند. سپس آقای خسرو شاکری تذکره دادند اینطور پیش شد بود که من میخواهم امروز در مورد موضوع مورد بحث صحبت نمایم ولی چون در شب این خبر را بمن رسانند و من وقت کافی برای جمع آوری و تنظیم مطالب برانداشتم، در بحث شرکت نمی‌کنم.

★ اولین سخنران جلسه به نمایندگی از طرف "راه کارگر" صحبت نمود. وی ضمن اشاره به ضد انقلابی بودن رژیم جمهوری اسلامی بیان کرد که از همان آغاز تحلیل مسا همین بود و سیاست رژیم خفه کردن انقلاب بود و باید سرنگون میشد. اگر چه رژیم از توهم توده‌ها، استفاده نکرد ولی چه از سیاست چه از بی‌تقدمی و اقداماتش از آغاز هم هر مارکسیست انقلابی نمیتوانست بداند که رژیم ارتجاعی است. اکنون هم سیاست درست و اقدام انقلابی این است که در این جنگ حالت نمود و تظاهرات

ضد جنگ را به جنبش صلح و سرنگونی پیوند داد و طبیعتاً آنرا به جنگ داخلی تبدیل نمود و این موضع سازمان مادر اولین شماره نشریه راه کارگر (اول فروردین ۶۳) مطرح شده است. سازمان مادر این جنگ مانند خیلی از نیروها در چارلز شپانی شده است و مانند آن لغزش از خود مسان انتقاد میکنیم و به این مسئله هم افتخار میکنیم و شرمگین هستیم چرا که کمونیست‌های پیگیری نبودیم. الان جنگ، جنگ ارتجاعی است و همه میدانیم که خمینی باید سرنگون شود و تظاهرات ضد جنگ اهمیت موضوع را نشان داد. اما سازمانها موضع ضعف دارند. زیرا از طرف دیگر بنیم که جنبش متحد چپ وجود ندارد. مسئله اقدام متحد مسئله جنبش چپ است و چرا یک جبهه مشترک حداقل بر سر جنگ که همه تقریباً

قبول داریم، ارتجاعی است، وجود نداشته باشد. وی سپس در دنباله سخنانش اضافه نمود (البته شعاع سرنگونی رژیم مرز را تعیین نمیکند. چنانکه اکنون حتی حزب توده و اکثریت هم شعاع سرنگونی را امید هندی) نام برد طی سخنان خود بر اهمیت سازماندهی مردم تکیه بسیار نمود و گفت از طریق سازماندهی است که جنبش صلح جامعه را به مسئله سرنگونی میتوان پیوند زد و...

★ در همین سخنران جلسه نماینده جناح چپ اکثریت بود. وی در ابتدا ضمن اشاره به عدم شرکت سایر گروهها و سازمانها در چنین جلساتی گفت: روی سخن بخصوص با ملیون، آزاد یخواهان و سوسیالیستهای مکررات است، ما از این دوستان دعوت کردیم ولی آنان در این بحث شرکت نکردند. رصفحه ۱۸

بقیه از صفحه ۱۴

نظری بر اطلاعاتی دفتر سیاسی

حزب دمکرات

مفهوم وی محتوای به اصطلاح مذاکره حزب با رژیم عنوان میکند، بجای کلی گوش بطور دقیق با آوردن چند نمونه مشخص از روابط انحصار طلبانه و غیره مکررات معمول در شورای جهت رفع این ابهام موضوعی نماید؟ تا همگان از اصل قضایای پشت پرده مطلع شوند.

— آیا رهبری حزب مکررات با در نظر داشتن اصول کلی و خط مشی و برنامه خود و سوابق چهل ساله مبارزاتی باید بی‌شرح بر نامه‌شورا و تأیید ایجاد یک دولت مذهبی

در واقع برای اولین اصل ضد مکرراتیک و غیر علمی شورایی اصل اقدام بین سیاست گردن ننهادن؟ وزیر چتر رهبری مجاهد یسن نرفت؟ و آیا شیوه صحیح برخورد به این مسئله مهم، انتقاد از خود در این زمینه میباشد؟

ما ضمن ارج نهادن به مبارزات حق طلبانه حزب مکررات بر علیه رژیم جمهوری اسلامی، امید داریم رهبری حزب مکررات با پاسخگویی به سؤالات فوق و سؤالات مشابه فراوانی که موجود است، با اتخاذ شیوه‌ای صحیح در جهت روشن شدن حقایق و کمک به رشد مبارزات مکرراتیک و آزاد یخواهانه ملت ایران در رفع موارد مبهم اقدام نماید. □